

ماشین کشتار سرعت گرفته است

آسانی تلقی شد که باتمسک به آن پیوند لشکرکشی خونبار تازه ای را آغاز کند. اگر نه برای رژیم فقها اشغال بخشی از میهنمان توسط رژیم عراق به تنهایی حائز اهمیت چندانی نبود. خامنه ای رئیس جمهور به دنبال اشغال مهران توسط نیروهای نظامی عراق این شهر را "به کفش کهنه" ای تشبیه کرده بود که فاقد هرگونه ارزشی است. اما همین "کفش کهنه" اکنون برای رژیم خمینی نعمتی شده است که "نعمت" تشدید جنگ را زمینه سازی کند.

دور جدید تصاعد جنگ به دنبال بسیج دیوانه وار نیرو جهت اعزام به جبهه های جنگ آغاز می گردد. پیچیده در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی در کام بحران اقتصادی

هر روز که می گذرد عوارض بحران اقتصادی کنونی پر نمودن می شود و دامنه آن گسترده تر می گردد. ابعاد بیسابقه بحران اقتصادی، به بحران حکومتی در رژیم جمهوری اسلامی نیز ابعاد تازه ای بخشیده است. در فراز تازه درگیریهای پایان ناپذیر دستجات حکومتگر، تلقی از علل و نیز پیامدهای بحران اقتصادی به حربه ای نیرومند در مصاف این دستجات با یکدیگر تبدیل شده است. هر کدام از فقها و کارگزاران ولی فقیه دیگری را مسئول بروز این وضعیت معرفی کرده و با افشای طرف مقابل می کوشند برای خود جای نیرومندتری بیابند. اکنون در همه جا چه رسانه ها، چه منابر مساجد و تریبون مجالس وصفحات جراید طرفین ریش یکدیگر را گرفته و به اینسو و آنسو می کشند و پناچار گوشه هائی از حقایق مربوط به اوضاع در هم ریخته حکومت را در این شرایط بویژه در عرصه اقتصادی بر ملا می کنند. اگر چه بگفته یکی از همین معرکه گیران "بحران اقتصادی رانمی شود انکار کرد ابعادش را پوشیده نداریم". اما مصالح عالیه حکومت کار ناممکن پوشیده نگذاشته بحرانی را طلب می کند که اینک همه پهنه حیات کشور را در نور دیده است. پیچیده در صفحه ۲

روز چهارشنبه یازدهم تیرماه با حمله نیروهای جمهوری اسلامی به شهر سوخته مهران دور جدیدی از تصاعد جنگ آغاز گردیده است. این حمله با نام "کرپلا" صورت پذیرفت. و به تصرف شهر اشغال شده مهران انجامید. جمهوری اسلامی اعلام داشت که بیش از ۶۱۰۰ عراقی را در مراحل چندگانه این عملیات کشته و زخمی ساخته و ۱۵ کیلومتر در خاک عراق پیشروی نموده است. تاکنون رژیم ایران از تلفات نیروهای ایرانی ذکری بیمیان نیاورده است.

برای جمهوری اسلامی آخرین ماجراجویی صدام که به اشغال مهران انجامیده بود، ماثده ای



دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۶۵ برابر ۷ ژوئیه ۱۹۸۶
پیا ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۴

از گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آرایش سیاسی نیروهای اپوزیسیون و سیاست ما

در صفحات ۷ و ۸ و ۱۰

هر که نقش خویشتن بیند در آب!

اودم از "وحدت" زد تا در عین حفظ "وحدت" و برای حفظ تعادل وحدت بخش، امتیازاتی را به جناحی بدهد که سرمقاله نویس مذکور آشرا مدافع "آزادی بیشتر و شدیدتر بخش خصوصی" توصیف می کند. (اطلاعات ۲۶ خرداد). حرفهای خمینی بقول رفسنجانی واضح و روشن بود. او گفته بود: "دولت به تنهایی نمی تواند که این بار برزگی را که الان به دوش این ملت است بردارد. شرکت بدهند مردم را در همه امور. مردم را در امور شرکت بدهید. در تجارت شرکت دهید، در همه امور شرکت دهید. منظور خمینی از "مردم" روشن بود. همه آن کسانی نیز که به تفسیر واژه "مردم" نشستند و کوشیدند با انکار بر جناح دیگر مفهوم آن را تعدیل کنند، بعضاً معترف گشتند منظور از "مردم" که باید در "تجارت" شرکت داشته باشند، مردم کوچه و بازار نیستند. پیچیده در صفحه ۲

"هر که نقش خویشتن بیند در آب". این عنوان سرمقاله اطلاعات ۲۵ خرداد است که به تفسیر سخنان ۱۹ خرداد خمینی اختصاص دارد. خمینی روز ۱۹ خرداد به بهانه عید فطر در میان جمعی از مسئولین حکومتی به سخن درآمده بود، تا آنان را با هم آشتی دهد و در مقابل مردم، متحدشان سازد. خمینی در این روز خطاب به مسئولین حکومت خود گفت: "واجب است بر همه که حفظ کنند وحدت را، اگر در یک شهری از شهرها اختلافی واقع شود، بدانند که دست شیطان در کار است... همه در میدان باشند، پام باشند" همان روزی که این سخنان "وحدت بخش" در نشریات حکومتی به چاپ رسیده شد، بر سر تفسیر آن اختلاف به پا شد. از همین رو بود که سرمقاله نویس اطلاعات چنان عنوانی برای مقاله خود برگزید و در آن "دو بعدی" بودن را از ویژگیهای حرفهای خمینی دانست. اما سخنان خمینی چندان هم "دو بعدی" نبود.

در این شماره

- از مبارزات پیگیرانه کارگران شرکت صنایع ملی دریایی ایران تجربه ای که در همه جا تکرار می شود

در صفحه آخر

● اشرا افغانی

همدستان ضیاء الحق در سرکوب قبایل آزاد

در صفحه ۱۴

- در ارکستر ناموزون آشوب آفرینان

"راه کارگر" کدام ساز را می نوازد

در صفحه ۱۲

اعتصاب عمومی در شیلی

* اعتصاب دوازده، گسترده ترین اعتراض ضد دیکتاتوری از ۱۹۷۳ بدین سو بود

* نیروهای سرکوبگر پهنوشه، هفت تن را به قتل رساندند

دور محلات خود مرز کشیده و آنهار منطقه آزاد شده اعلام کردند. برای نخستین بار، بسیاری از کارمندان، کامیونداران و مغازه داران در اعتصاب ملی علیه دیکتاتوری نظامی شرکت جستند. در پی برگزاری موفقیت آمیز اعتصاب عمومی در شیلی، رهبران "جمع ملی شهروندان" عصر روز پنجشنبه اعلام کردند اعتصاب، فضای سیاسی کشور را دچار تحول کرده است. طبق اظهارات آنان، علیرغم تهدید رژیم مینی بر اخراج شرکت کنندگان در اعتصاب از کار، سه چهارم مردم دست از کار کشیدند، امری که به عنوان افزایش آمادگی آنان، برای مبارزه تلقی می گردد. پیچیده در صفحه ۲

چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته، شیلی شاهد گسترده ترین اعتراض توده ای علیه دیکتاتوری ژنرال پینوشه از هنگام کودتای فاشیستی ۱۹۷۳ بدین سو بود. به مدت دوازده روز، همه چیز در شیلی از حرکت باز ایستاد. اکثریت مردم شیلی، به دعوت اتحادیه های سندیکایی و "جمع ملی شهروندان" که از سازمانها و جمعیت های صنفی گوناگون تشکیل می شود، پاسخ مثبت دادند. در سانتیاگو و لهارا اشیو، کنسپسیون و سایر شهرهای شیلی، کارخانجات، مدارس، دانشگاهها، ادارات و فروشگاهها تعطیل بودند. در محلات فقیرنشین سانتیاگو، ۳۰ هزار تن از زاغه نشینان باسیم های برق، تخته سنگ و کود ال به

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

بقیه از صفحه اول

هرکه نقش خویشتن بیند در آب!

دولت سالاری را بعنوان تیتر یکی از مقاله‌های خود برگزید. این امر ششم روزنامه‌های دیگر را برانگیخت. "رسالت" انسان شوکرده شده بود که آرایش قوا را در نظر نگرفت. کار به مجلس کشید و تعدادی از نماینده‌ها این روزنامه را مورد عتاب و خطاب تند قرار دادند. و فسنجانی نیز به "رسالت" اخطار کرد که امتیاز دهی به جناح مقابل در چهارچوب وحدت صورت گرفته است و "رسالت" باید حساب کار خود را بکند. قضیه انسان بالا گرفت که منتظری نیز به سخن درآمد و او نیز در حضور مسئولین روزنامه‌ها حرفهای خمینی را تفسیر کرد و ضمن تایید این که سخنان خمینی ناظر بر امتیاز دادن بیشتر به همان جناحی است که "رسالت" سخنگوی دو آتشه آن است، مجدداً همه را به وحدت دعوت کرد.

در حالی که این دو کثیرالپا بر سر سخنان "وحدت بخش" خمینی می‌چنان ادامه دارد، این سؤال مطرح می‌شود

خامنه‌ای گفت در این حرف خمینی "جای تفسیر نیست" (اطلاعات ۲۴ خرداد). یک نماینده مجلس نیز برای آن که نشان دهد وزن اصلی سخنان خمینی چه بوده است به رقم متصل گشت و گفت: "من مردم، حدود چهل بار امام واژه مردم یا امت و ضمیری که به این دو برمی‌گردد را تکرار فرمودند، آیا این صراحت گفتار قابل توجیه است؟" (اطلاعات ۲۶ خرداد) کم کم از چهره این "مردم" نقاب بر گرفته شد مفسرین مختلف پوسته آن را تراشیدند و تراشیدند و بالاخره موسوی نخست وزیر در مقام دفاع از خود در برابر مفسرین جناح مختلف برآمد و گفت: "من مخالف بخش خصوصی نیستم." (اطلاعات ۲۸ خرداد) او همچنین قول داد که دست این بخش را بیشتر و بیشتر باز بگذارد.

سخنان "وحدت بخش" خمینی خوراک خوبی برای مقاله‌های "تفرقه انگیز" روزنامه‌های وابسته به دو جناح فراهم کرد. "رسالت" مرک

اجتماعی است. برای خمینی محدوده بسیار باریکی برای مانو ردادن باقی مانده است. قبلاً او می‌توانست فضای بیشتری برای حرکت به اینسو و آنسو داشته باشد. او در یک حرکت بخشی از این فضا را به این جناح و در حرکت دیگر بخشی از طرف دیگر آنرا به آن جناح عطا می‌کرد. اکنون دیگر چه می‌تواند کند؟ حقیقتاً، بندبازی شده است که بر روی طناب پارکی حرکت می‌کند. مانو ردادن کار سختی است. در چنین وضعیتی او دیگر حاکم بر تضادهای نیست، سهر حایلی است که در میان تضادهای متکثر شده است تا "تعادل" برقرار بماند. جنبه تضاد آمیز این وضعیت در آن است که او در عین این که از تحرک و فعالیتش کاسته می‌گردد بیش از پیش بر نقش عظیمش در حفظ تعادل افزوده می‌گردد. همه در او می‌نگرند تا نقش خود را در او ببینند.

اما بر این آینه که زمانی جادوئی می‌نمود، اکنون مردم زنگار بیشتری می‌نشینند و فضای پیرامون آن تیره و تاریک‌تر می‌شود و توان بازتاب آن ناچیزتر می‌گردد. پیچیده در انتقار معجزه‌ای کار سازیر او نظر دوخته اند. دیگر از امام عاجز شان اعجازی دیده نخواهد شد.

که چرا چنین شد؟ مقدماتاً بگوئیم که این پدیده، پدیده تازه‌ای نیست. خمینی همواره در پایان یک دور از درگیری‌های طرفین به سخن درمی‌آید تا تعادلی را ایجاد کند که تنها شاخص انتقال تضادهای مدار تازه‌ای است. باز دور تازه‌ای از درگیری در چهارچوب تعادل تازه آغاز می‌گردد و باز بعد از چندی خمینی به سخن درمی‌آید تا "وحدت" حفظ شود. این دیگر به یک قانونمندی تبدیل شده است و این نیز خود یک قانونمندی است که دوره‌های "آشتی" موقتی بعد از صحنه‌های خمینی، مدام کوتاه‌تر می‌شوند. اگر قبلاً گاه چند هفته‌ای طول می‌کشید تا تضادهای مجدداً جلوه‌گر شوند، اکنون دیگر تا به جلوه در آمدن مجدد تضادهای یک روز هم نمی‌باید. بیان دیگر این کیفیت تازه می‌تواند افزایش جنبه "تفرقه انگیز" حرفهای "وحدت برانگیز" خمینی باشد. این امر ناشی از تعادل بسیار شکننده قوا در بالاست. دیگر چندان هم نمی‌توان بند بازی کرد و "دو بعدی" حرف زد. تا وزنه در یک سو اندکی سنگین‌تر می‌شود، همه چیز به هم می‌ریزد و پناهی متزلزل حاکمیت تماماً به تکان درمی‌آید.

آنچه که به تضادهای دامن می‌زند تشدید مدام بحران اقتصادی و

صدای پریدن سمری آید

بها کوجه ها را با آوازهایمان برگزیم

در فلات دشته در گلوی لغزل

انگزه مبلر

در قابین مهتاب

تاب می‌خورد

نه می‌میرد، نه فرو می‌افتد!

دهکده‌ها فرو می‌خسبند در پادهای شن خیز

و مرگ می‌لید پیشانی عشق را!

ای هشد ار!

ای هشد ار!

از قلعه، صدای پریدن سمری آید

شاید پیغمبر دزدان

در بد مستی ست!

شلبادهای ندوی

از صحاری جمازه و دوزخ فراتر می‌رسند

این پلشت‌هایند که می‌نمعد

این چشمه‌هایند

به تاریکا اندر این دیار که خاموش می‌شوند

این مردگانند که دیگر بار

زندگان را

به فرمان می‌گیرند

بپوشا!

ای بپوش!

فراز آمد شب

فراز آمد

ایلک، پهلوانان زخمی ابرانشهر

در چپرننگا چپرننگ زنجیرها

گرفته می‌چرخانند

وساران

شمیرهای بخش آلوده را در سابه نهان می‌دارند

در فلات لغت و مس

انگزه مبلر

ناجی از گل بر سر نهاده

نه می‌میرد

نه فرو می‌افتد!

شب فراز آمد و

به هر کمینکاهی

سگان می‌لایند

خستگان، پاده پنهان را

باجرعه‌ئی از ماه و ترس می‌گسارند،

خلیگر دل انگیزم!

پیشوایان متعلم

در طشت زربین تن می‌شوبند

و وطن را

تا پستی از خنر تا خلیج انداز می‌کنند،

□

ای که پستان به تفرغ می‌چسباند!

و پیشانی‌اش را

به شیشه نسیم می‌سایند

ای سر نهاده‌گان به ساطور سرشوت

ودشت را

هر که برد، هر که گشت!

مژده!

ای مژده!

فلات تاریک را

تلها آواز شما

در سپیده تراشد گشت

و انگزه مبلر

از نعره شامت که می‌میرد

و فرو می‌افتد!

مهرماه ۶۴ مانی

انگزه مبلر، اهریمن، راهلای پدی، مظهر شر و

فساد و پلیدی

رژیم جمهوری اسلامی در کام بحران اقتصادی

بقیه از صفحه اول

میر حسین موسوی که در این مرحله دعوا نیز در موضع دفاعی قرار گرفته است پرداختن به همین کار ناممکن را خواستار است. اودر چریان مصاحبه‌ای که تحت عنوان "گزارش نخست وزیر به مردم" در اطلاعات ۴ تیر ماه پچاپ رسیده است، در حالیکه از شدت درماندگی قادر به کنترل خود نبود اعتراض داشت که چرا عناصر رده بالای حکومت از جناح میاجم "اسرار اقتصادی-سیاسی" را در ملامت پازگو می‌کنند. وی در این زمینه از جمله گفت "در وزارت برنامه و بودجه، سندی تهیه می‌شود به عنوان گزارشی در مورد وضعیت اقتصادی کشور با ۴ شماره بسیار بسیار محدود برای استفاده مسئولین." بگفته موسوی، این سند جاری "اسرار اقتصادی سیاسی" حکومت بود. ولی همین سندی که در سطح "بسیار بسیار محدود" در اختیار مسئولین اصلی رژیم قرار گرفته بود. "حتی قبل از آنکه مسئولین فرصت خواندن آنرا بکنند در یکی از روزنامه‌ها انتشار پیدا می‌کند و بدینوسیله مطالب فاش می‌شود نخست وزیر خمینی از اینکه این "اسرار" توسط مسئولینی در این رده بمثابة ابزاری برای تصفیه حساب مورد استفاده قرار گرفته چنان برافروخته شد که این دسته از سردمداران رژیم راهم‌ای جاسوسهای دشمن نامید و گفت "این چه فرقی می‌کند که ما بپائیم بگوئیم که کجا ضعف داریم که آسیب پذیر هستیم یا اینکه به هواپیماهای دشمن نشان بدهیم که کدامیک از تاسیسات ما را مورد هجوم قرار بدهد" وی افزود "پخش این نوع مطالب نه تنها به دشمنان فرصت می‌دهد که ارزیابی دقیق تری از وضعیت (اقتصادی-سیاسی) ما داشته باشند بلکه جو ابهامی هم در میان مردم ایجاد می‌کند و رعب و وحشت بوجود می‌آورد."

حقیقت "وضعیت اقتصادی کشور" چیست که بازتاب گزارش مربوط به آن اینهمه نخست وزیر رژیم ولایت فقیه را آشفته کرده است. آنها که در تبلیغات این همه درازگویی

می‌کنند و خود را دارای برنامه همه جانبه‌ای برای تنظیم امور در این شرایط وانمود می‌کنند، چرا آمار مربوطه را جز "اسرار اقتصادی و سیاسی" می‌نامند. نکاهی مجدد به برخی ارقام درآمدهای دولت می‌تواند "رعب و وحشتی" را که موسوی از آن سخن می‌گوید تشریح کند. در اواخر پائیز سال ۶۴ که موسوی لایحه بودجه سال ۶۵ را به مجلس ارائه کرد میزان درآمد نفتی پیش بینی شده برای سال ۶۵، پس از دخل و تصرفهای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس بالغ بر ۱۶۰۰ میلیارد ریال اعلام شده بود. این درآمد کلان با احتساب فروش نفت به ازای هر بشکه ۲۸ دلار تعیین شده بود. بودجه ارزی ۱۵/۶ میلیارد دلاری، رژیم نیز محصول یک حساب و کتاب غیر واقعی بود. هنوز سال ۶۴ به انتهای رسیده بود که با سقوط شدید قیمت نفت معلوم شد که درآمد نفتی کشور از ۱۶۰۰ میلیارد ریال پیش بینی شده به ۶۰۰ میلیارد ریال کاهش خواهد یافت. و این در واقع به معنای کاهش درآمد ارزی رژیم تا حد ۶ میلیارد دلار می‌باشد. درآمد مالیاتی افزایش یافته هم قابل حصول نیست زیرا بخش اعظم درآمد مالیاتی ۱۱۶۰ میلیارد ریالی در نظر گرفته شده برای سال ۶۵، محصول مستقیم درآمد نفتی است که از کاهش درآمد نفتی، مستقیماً تاثیر گرفته و کاهش می‌یابد. بنا به اعتراف یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی "۸۵ تا ۹۰ درصد درآمد این مملکت مالیات نفتی است، ما غیر نفتی از کجا درآمد داریم"

(جمهوری اسلامی ۱/۱۲/۶۳)

صادرات غیر نفتی رژیم نیز که امروزه بیش از پیش مورد تاکید مسئولین رژیم می‌باشد، بیشتر کاربرد تبلیغاتی و وجه عوامفریبی دارد. در سال گذشته با همه تاکیدات که رژیم در راه گسترش صادرات غیر نفتی بعمل آورده بود، درآمد ارزی حاصله از این فعالیت کمتر از ۴ درصد ارز تعیین شده در بودجه ارزی دولت بود.

کاهش ۱۰ میلیارد دلاری درآمد ارزی ۱۶ میلیارد دلاری، به معنای آنست که ۱۰ میلیارد دلار ارزشش دولتی و خصوصی کمتر خواهد بود، یعنی ۱۰ میلیارد دلار واردات کمتر و تعرفه گمرکی ۱۰ میلیارد دلار کالا کاهش یابد، یعنی سود بازرگانی ۱۰ میلیارد دلار کالا حذف گردد، یعنی درآمد مشاغل و اصناف و در این ارتباط مالیات آنان به میزان این

اهمیت شرکت گسترده مردم شیلی در اعتصاب، وقتی آشکارتر می‌گردد که در نثر آوری رژیم پینوشه برای مقابله با اعتصاب از هیچ گونه عمل سرکوبگرانه‌ای فروگذار نکرد. در عملیات ارتش و پلیس علیه اعتصاب،

رقم کاهش یابد، یعنی مواد اولیه بسیاری از کارخانجات وارد نشود، فقدان کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، پرخهای تولید صنایع را از حرکت باز دارد، تولید داخلی فلج شود، پول بطور جدی از گردش بماند، میلیونها کارگر اخراج شوند، قدرت خرید عمومی کاهش بیشتری یافته، فقر و گرسنگی بیداد کند و...

این‌ها، آن حقایقی است که نخست وزیر رژیم را چنین هراسان کرده است. اما تقلای او در اختفای این حقایق بیپوده است. آنها را اگرچه می‌توان در پرونده‌های وزارت برنامه و بودجه مخفی کرد، ولی نمی‌توان از زندگی مردم بیرون راند. مردم پیامدهای فاجعه‌بار آنان را با پوست و گوشت خود احساس می‌کنند. این حقایق برای مردم "اسرار اقتصادی" نیست و بیگمان پیامدهای آن نیز "اسرار سیاسی" نخواهد بود.

اعتصاب عمومی در شیلی

بقیه از صفحه اول

مردمی که برای تظاهرات گردم می‌آمدند، به ماشین‌های آپباز و گاز اشک‌آور متوسل شد.

چهارشنبه شب، نیروهای انقلابی شیلی توانستند با انفجار چند دکل خطوط انتقال برق، پخش مایبی از



مرکز شهر سانتیاگو در روز پنجشنبه گذشته، پلیس در حال دستگیری تظاهرکنندگان

بایتخت و مناطق وسیعی از مرکز کشور را در خاموشی فروبرد.

رهبران "مجمع ملی شهروندان" اعلام کرده‌اند پس از اعتصاب نیز کار خود را در جهت گسترش اعتراضات توده‌ای ادامه خواهند داد.

هفت نفر توسط نیروهای سرکوبگر به قتل رسیدند، لاقلاً ۲۶ نفر به شدت زخمی شدند و بیش از ۶۰۰ تن بازداشت گردیدند. از روز چهارشنبه، رژیم پخش هرگونه خبری از سوی چهار ایستگاه رادیویی را ممنوع کرد. در مرکز شهر سانتیاگو، پلیس پارها علیه

گزارش وزیر نفت از اجلاس اخیر اوپک

روز یازدهم تیرماه آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی، گزارشی از اجلاس اخیر اوپک به هیات دولت جمهوری اسلامی ارائه کرد. به گزارش آقازاده، وزیر نفت و نژوئلا که ریاست اوپک را بر عهده داشت در اجلاس اخیر از این ست پرکنار و وزیر نفت نیجریه عهده دار این مسئولیت گردیده است. وزیر نفت جمهوری اسلامی همچنین اظهار داشت که اجلاس، سهمیه تولیدی روزانه نفت اوپک را بیش از میزان پیشین و معادل ۱۷/۶ میلیون بشکه تعیین کرده است. افزایش رسی میزان سهمیه تولید نفت اوپک باعث کاهش بیشتر قیمت نفت خواهد شد. در همین رابطه خبرگزاری کویت به نقل از روزنامه‌های سوییسی گزارش کرده است که میزان نفت تولیدی کشورهای عضو اوپک بطور غیررسمی به ۱۹ میلیون بشکه در روز رسیده است. نشریه انگلیسی پترولیوم نیز پیش از این خبر مربوط به "افزایش ناگفته" تولید نفت اوپک را منعکس ساخته بود. جمهوری اسلامی از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که میزان نفت صادراتی خود را افزایش داده است. اخیرا کارشناسان بین‌المللی امور نفت اعلام کرده بودند که میزان نفت صادراتی جمهوری اسلامی از سهمیه تعیین شده ۱/۸ بشکه در روز، به ۲/۴ میلیون بشکه افزایش یافته است. آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در گزارش خود به هیات دولت، اعلام کرد که جمهوری اسلامی اعتقاد دارد که سهمیه نفت صادراتی کشورهای عضو اوپک باید براساس کارنامه ۲۵ ساله صادرات نفتی آنها تعیین گردد. جمهوری اسلامی از این فرمولبندی جدید، هدف رسمیت دادن به افزایش سهمیه نفتی خود را دنبال می‌کند.

"الاتحاد"

اختلافات مالی جمهوری اسلامی و فرانسه

پایان یافته است

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از روزنامه "الاتحاد" ارگان نیمه رسمی دولت امارات متحده عربی اعلام کرد که "اختلافات مالی جمهوری اسلامی و فرانسه پایان یافته است." "الاتحاد" این خبر را پیرو سفر هیات ایرانی به سرپرستی مهدی نواب به پاریس منتشر کرد. جمهوری اسلامی هفته پیش از این اعلام کرده بود که یک هیات کارشناس امور مالی وزارت دارایی برای بحث پیرامون بدهی یک میلیارد و دو بیست میلیون دلاری فرانسه به ایران، به پاریس سفر کرده است. پیش از مسافرت هیات ایرانی به پاریس یک هیات کارشناس امور مالی واتمی فرانسوی نیز در تهران با مقامات جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو داشته است.

از سوی دیگر سفیر فرانسه در نیکاراگوئه دریک دیدار پیش‌بینی نشده با دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در ماناگوا پیام ژان برنارد ریوموند وزیر امور خارجه فرانسه را به‌ویژه تحویل داد. در این ملاقات سفیر فرانسه نسبت به

گسترش "روابط دیرینه" دو کشور جمهوری اسلامی و فرانسه ابراز امیدواری کرده بود. رسانه‌های ایرانی گزارشی پیرامون مضمون این پیام فوری منتشر نساخته‌اند.

بیماران مجدد مرکز مخابراتی اسدآباد

بعد از ظهر چهارشنبه ۱۱ تیرماه، نیروی هوایی عراق پاردیکریه تاسیسات مرکز مخابرات اسدآباد حمله کرد با بیماران این مرکز، تماس تلفنی و تلکس کشور با سایر نقاط جهان بار دیگر قطع گردید. مرکز مخابرات اسدآباد، بزرگترین مرکز مخابراتی کشور منصوب می‌شود. سه هفته قبل نیز نیروی هوایی عراق در حمله مشابهی به این تاسیسات باعث قطع تماس تلفنی و تلکس ایران با بسیاری از کشورها گردید. آن باز قطع ارتباط با خارج به روز ادامه یافته بود. از جانب دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که یک حمله در محور شمالی فاو - ام‌القصر واقع در منطقه عملیاتی والفجر ۸ بعمل آورده و دو فرزند هواپیمای عراق را در نواحی پیرانشهر و شمال غرب کشور سرنگون کرده است. نیروی هوایی عراق طی هفته گذشته تاسیسات نفتی خارک را نیز دوبار مورد حمله قرار داده است.

گسترش روابط اقتصادی با آلمان فدرال

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که سفیر آلمان فدرال در جمهوری اسلامی در اوایل تیر ماه با آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی دیدار و گفتگو داشته است. بر اساس این گزارش وزیر نفت ضمن اشاره به سابق تاریخی روابط دو کشور ایران و آلمان فدرال و تأکید بر "زمینه‌های موجود برای بهبود روابط در کلیه ابعاد" اظهار داشت که "کشوری که در شرایط فعلی سعی در استحکام همکاری‌های گوناگون با جمهوری اسلامی داشته باشد، مطمئنا

اهمیت ویژه‌ای به روابط خود با این کشور خواهیم داد."

آقازاده در باره ابعاد گسترش روابط دو کشور جمهوری اسلامی و آلمان فدرال اذعان داشت، "این مسائل میتواند پشتوانه خوبی برای سرمایه‌گذاریهای مشترک باشد." خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود که سفیر آلمان فدرال نیز تمایل کشور متبوع خویش برای گسترش روابط در همه زمینه‌ها را مورد تأکید قرار داده است.

باید افزود که جمهوری اسلامی بدنبال کاهش درآمد ارزی، از طرح اجاره صنایع و نیروی کار کشور تحت عنوان سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای امپریالیستی جانیباری می‌کند.

نشست مشترک بازرگانی ایران و ایتالیا

اطلاعات پنجم تیرماه - خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که "جوزپه بالدوچی" سفیر جمهوری ایتالیا در تهران با جعفری وزیر بازرگانی رژیم دیدار و گفتگو کرده است. در این ملاقات که وابسته بازرگانی و اقتصادی ایتالیایی نیز حضور داشت درباره چگونگی و سطح گسترش مناسبات بازرگانی و اقتصادی مذاکره شد. طی این ملاقات تصریح شد که بزودی یک هیات بازرگانی به سرپرستی وزیر تجارت خارجی ایتالیا به تهران مسافرت کرده و اجلاس مشترک بازرگانی دو کشور برگزار خواهد شد. جعفری از سطح مناسبات بازرگانی دو کشور اظهار خرسندی کرد و خواستار توسعه بیشتر آن گردید. سفیر ایتالیا نیز اعلام کرد که دولت متبوع وی در جهت نیل جمهوری اسلامی به "خودکفایی" تلاش خواهد کرد.

اخبار کوتاه

* اجلاس وزرای اطلاعات کشورهای عضو

بقیه در صفحه ۶



هم‌یک کسب سنتی است و هم هاتوق کپ‌زدن. گفتنی زیاد دارند، دلشان پردرد است. هر کدام تاریخ رنج دیرینه‌ای هستند. گاه خاطرها و گاه مزاحی از شفافیت روح و خلوص نیتشان. گاه حادثه‌ای تلخ، و این‌زنجیره حوادث تلخ چه پایان‌ناپذیرند... کسی را به جبهه فرستاده‌اند؟ که را؟ چند که بود که آوردند؟ دیشب آژیر اعلام خطر حمله هوایی بود، پسر فلانی را اعدام کرده‌اند...

مخالفت کارگران نکا چوب با اعزام اجباری به جبهه ها

در کارخانه نکا چوب مازندران، کارگران بخش نقوین با اعتراض جمعی، مسئولین را وادار کردند که فرم اعزام اجباری کارگران به جبهه را پس بگیرند.

در بخش نقوین این کارخانه حدود ۱۵۰ نفر در به شیفت مشغول به کار هستند. جندی قبل در پی تصمیم به اعزام اجباری کارگران به جبهه، مسئولین تست نقوین ۲۵ نفر که فرم نیز به کارگران این بخش داده و از آنها خواستند که برای رفتن به جبهه برگه های داده شده را بر کنند. مسئولین حتی کارگران را نیز تهدید کردند که اگر آنها را اوبطایانه (۱) فرم های اعزام را بر نکنند آنها به صورت فرقه کشی در نوبت اول از هر شیفت ۷ نفر را خواهند برد. کارگران به این تشبیهات تمکین نکرده و با اعتراض دسته جمعی خود مسئولین را وادار به عقب نشینی کردند.

در همین کارخانه نیز مانند دیگر واحدهای کارگری کشور مراکز چندی مسئولین به منظور نمایش فرمایشی و تبلیغات جنگ طلبانه کارگران را وادار به پوشیدن لباس سیج و سیاه می کنند.

جندی قبل مدیریت شرکت از میان کارگران هر بخش تعدادی را انتخاب کرده و از آنان خواست که در روز موعود بعد از اتمام کار مستقیماً به ساری رفته، شب را در اسامزاده عباس بسر برند و صبح با لباس سیج دست به راهپیمایی بزنند. مدیریت برای اینکه کارگران از رفتن به راهپیمایی نظامی سرباز نزنند از آنان ایست نیز تهیه کرد اما با وجود این تهدید و تهدیدات دیگر مدیریت، از مجموع ۲۰۰۰ کارگر کارخانه کمتر از ۲۰۰ نفر در مراسم شرکت کردند.

در شرکت تخته سه لایی رچایی و صنایع چوب و کاغذ مازندران نیز مشابه همین برخورد از طرف کارگران صورت گرفت. در این واحدها حتی کارگران را تهدید کرده بودند که چنانچه در مراسم شرکت نکنند، با تفتاشهای مرخصی شان مخالفت شده و در صورت غیبت از کارخانه اخراج خواهند شد.

در شرکت نکا چوب ساری رانندگان لودر را به نوبت به جبهه می فرستند. تاکنون یکی از رانندگان در جبهه کشته شده است. رانندگان دیگر که قرار شده است به جبهه فرستاده شوند با وجود فشار شدید مسئولین هم چنان از رفتن به جبهه خودداری می کنند.

سندوز لوازم ایمنی کار هم چنان جان کارگران این شرکت را تهدید می کند. اخیراً یکی از کارگران با سابقه شرکت که ۱۵ سال سابقه کار در دشوارترین بخش کارخانه (بخش خردکن) دارد در حین کار با دستگاه دچار سانحه شده و دستش شدت آسیب دید. مدیریت نه تنها از قبول مسئولیت درمان وی خودداری کرد بلکه این کارگر مهربور را مجبور کرد قبل از بهبودی سرکار حاضر شود.

فلکبه شهر چه کرده است ؟

اخیراً فضیحتی که یکی از روحانیون بنام شهرستان نکا* بیار آورده ورد زبان مردم این شهرستان شده و باعث رسوایی گسترده رژیم ولایت فقیه در این منطقه گردیده است. این روحانی، حجت الاسلام صادقی نام دارد که از دستیاران لائینی نماینده رژیم در مجلس خبرگان می باشد. بدنبال بر ملا شدن خبر تجاوز این شیخ به یک دختر بچه ۱۲ ساله و واکنش شدید مردم، مسئولین محلی و حجت الاسلام لائینی صلاح را در آن دیدند که صادقی را برای مدتی به مشهد بفرستند. اما مردم خشمگین با اعتراضات و حرکات دسته جمعی، سردمداران محلی را وادار کردند که صادقی را برای محاکمه از مشهد به نکا* بازگردانند. ارکانهای رژیم تحت فشار مردم ناچار شدند اعلام نمایند که صادقی را به ۷۵ ضربه شلاق محکوم کرده اند.

بهرداشت حقوق

در مقابل خدمت در جبهه

مسئولین رژیم برای اعزام اجباری کارگران و کارمندان به جبهه به حیل گوناگون متوسل می شوند. آنها کارگران و کارمندان مخالف اعزام اجباری را به کسر حقوق، اخراج از کار و... تهدید می کنند. نمونه ای از آن، رفتار شهرداری بوشهر با رفتگران این شهر است. شهرداری این شهر چندین ماه است که از بهرداشت حقوق رفتگران سرباز زده و بهرداشت آن را منوط به رفتن به جبهه کرده است. اکثریت آنان با وجود تحمل فشار شدید مالی حاضر به قبول خواست شهرداری نشده اند.

شهریه ۷ هزار تومانی مدارس

مدارس کشور عملاً خصوصی شده و در تمامی آنها به تشخیص گردانندگان آموزش و پرورش منطقه و محل از دانش آموزان به هنگام ثبت نام شهریه دریافت می کنند.

در تهران در نازی آباد و منطقه شوش که یکی از نقاط پر جمعیت و فقیرنشین شهر است برای ثبت نام هر دانش آموز ۵۰۰۰ ریال شهریه مطالبه کرده اند. و در شمال شهر، شهریه دانش آموزان را بر اساس مشاغل اولیای آنان از هزار تا ۷ هزار تومان تعیین کرده اند.

گزارشی از کارخانه ایران ناسپونال

اخیراً کارگران ایران ناسپونال دریافته اند که مسئولین کارخانه ۴۰ درصد پرسنل کارگری و ۷۰ درصد پرسنل اداری آن را زاید تشخیص داده و تصمیم دارند این عده را اخراج کنند. کاهش تولیدات کارخانه در چند ماه گذشته و تعطیل خط تولید اتوبوس و مینی بوس این خبر را قوت بخشیده و موجب گردید که کارگران به مقابله با آن برخیزند. کارگران کارخانه برای مقابله با این تصمیم بر آن شدند از

میزان کار بکامند. کم کاری کارگران چنان تاثیری در کاهش سطح تولید کارخانه بجای گذاشت که میرخانی مسئول کارخانه ناچار شد برای یافتن راه حل و جلوگیری از حرکت کارگران، با آنان به گفتگو بنشیند.

در اجتماعی که با حضور کارگران در نمازخانه کارخانه تشکیل گردید میرخانی بعد از ۲ ساعت سخنرانی و توضیح وضعیت اقتصادی و ارزی و "نیازهای اساسی مثل جنگ" و رکود اقتصادی کشور، اعلام کرد که چشم انداز کار کارخانه باز هم کاهش تولید و حذف برخی از خطوط تولید می باشد و همین دلیل نیز تعداد کنونی کارگران مورد احتیاج کارخانه نیست و باید به شکلی وضع کارگران زائد روشن شود. میرخانی خطاب به کارگران افزود که فرم بازخرید در اختیار همه کارگران گذاشته می شود و کارخانه کارگران را بازخرید می کند. شرایط بازخرید کارگران بر اساس قانون کار به ازای یک سال خدمت یکماه حقوق می باشد و کارخانه هیچ مسئولیتی در مورد سابقه کار کارگران قدیمی ندارد و آنها می توانند در جای دیگر برای خود کاریابند.

کارگران اظهار می کنند وقتی کارخانه ایران ناسپونال به علت وضع اقتصادی مجبور به تعطیل شود دیگر کجا می توان کار پیدا کرد و بخاطر همین ضمن مخالفت با موضوع "بازخرید" بر آن هستند که به هر صورت شده با تعطیل کارخانه و کاهش دستمزد خود مقابله کنند.

درگیری پاسداران و مردم در ساری

در درگیری که اواسط اردیبهشت ماه بین اهالی محله "راه بند سنکتراشان" ساری یا پاسداران حکومتی رخ داده، تعدادی از اهالی محل مجروح شده و ۲۵ نفر از آنان توسط مأمورین کمیته دستگیر گردیدند.

درگیری از آنجا آغاز شد که حدود چند ماه پیش یکی از خانواده های محل بر سر حمله ای که برای فرزند کشته شده شان در جبهه، بسته بود، حاضر نشده بود شعارهایی را که مأمورین رژیم تعیین کرده بودند، نصب نمایند. این امر کمی بعد در اردیبهشت ماه در مراسم ختم یکی دیگر از قربانیان جنگ تکرار گردید و مردم محله سنکتراشان بدین شکل مخالفت خود را با رژیم ابراز داشتند. ارکانهای سرکوب رژیم که نمی توانستند چنین مخالفت عربانی را با جنگ تحمل کنند، با بیش از ۱۰۰ نفر اوباش که همه مسلح بودند در روز دهم اردیبهشت به "راه بندان" بورش بردند. اوباشان با چاقو و داس به جان مردم افتاده و چندین تن از آنان را به سختی مجروح ساختند. جوانان محله نیز به مقابله با آنان برخاسته و در یک رویارویی نابرابر دلیرانه از خود دفاع کردند. در پشتیبانی از چماقداران، پاسداران کمیته که آنان را اسکورت می کردند، به دستگیری گسترده اهالی اقدام نمودند. آنها حتی مجروحین این حادثه را که در بیمارستان بستری شده بودند، دستگیر و روانه زندان ساختند. تعداد کسانی که به اتهام "اخلال در نظم" دستگیر گردیدند بیش از ۲۵ نفر است. در این محله تا چند روز بعد از این واقعه توسط کمیته و شهرستانی عملاً حکومت نظامی در محله برقرار بود.

بقیه از صفحه اول

همزمان با جنگ‌های گسترده تبلیغاتی درباره "کاروانهای رامیان کریلا"، عملیات وسیعی برای جلب و اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ سازمان داده شده است.

ابلاغ به واحدهای تولیدی و اداری در مورد ابلاغ الزامی بودن اعزام درصدی از کارگران و کارمندان، پیکرو بیوندهای خیابانی، یورش نظامی به روستاها برای بافتن مشمولین، ربودن جوانان از مراکز آموزشی، و... همه راه‌ها را رژیم آرمود تا میزیم بیشتری برای تنور جنگ پیادویکایک این میزما را در آتش افکند. عملیات اخیر نظامی با نام "کریلا" که همچون دیگر عملیات جمهوری اسلامی مانند والفجر و... هر شماره آن با ضرب چند هزاره‌اش از میزان تلفات انسانی آن دارد کام دیگری است در جهت ترم نگ داشتن این تنور.

"ما زمان زیادی نداریم که صبرکنیم" این گفته هاشمی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع بود که خطاب به فرماندهان نواحی مختلف سپاه مدتی پیش ابراز داشت. این گفته به روشنی علت سیج دیوانه‌وار نیرو و اقدام به ماجراجویی‌های نظامی را برملا می‌سازد. رژیم در مانده خمینی زمین و زمان را به زیان خود می‌بیند، قدرت جنبش توده‌ای مخالف جنگ دم افزون است. یحسان سراهای رژیم را فرا گرفته است. با کاهش شدید قیمت نفت، دیگر دلارهای نفتی چاره‌ساز نیاز اقتصاد وابسته نیست و واحدهای

تولیدی یکی پس از دیگری بر اثر نبود مواد اولیه و نیاز به ارز جهت تامین احتیاجات خود تعطیل می‌شوند. علیرغم استخراج بی‌سابقه نفت و فروش آن به هر قیمت می‌چگونه چشم اندازی. تامین ارز بیشتر وجود ندارد. به دلیل بحران اقتصادی تامین نیازمندی‌های

دو سو جنایتکارانی چون خمینی و صدام هستند، مطلقاً نمی‌تواند در حالت سکون بماند و یا توسعه‌ای محدود بیابد. مادر شماره پیش‌نشریه نوشتیم که رئیس جمهور عراق از بازسازی نیروی هوایی خود دم زده و از زبان یکی از فرماندهانش آمادگی برای از سرگیری جنگ شهرها را خبر

ماشین کشتار سرعت گرفته است



داده است و در مقابل جمهوری اسلامی نیز اعلام داشت که برای "تراجع و سیم" آماده شده است. اینک با آغاز عملیات "کریلا" که رژیم می‌کوشد آنرا آغاز حملات نهایی معرفی نماید، خطر از سرگیری جنگ کثیف شهرها، مسابقه جنایتکارانه‌ای که برنده‌اش! کسی است که بمب و موشک بیشتری بر سر مردم بی‌گناه طرف مقابل بیفکند، از همیشه بیشتر است. طرفین زمینه‌های آغاز جنگ شهرها را نیز کاملاً آماده ساخته‌اند. هر یک از دورژیم طرف مقابل را به بیمار

تسلیم‌حاشی و تدارکاتی جنگ دشوارتر شده است. از اینروست که رئیس شورای عالی دفاع رژیم فریاد بر می‌دارد که "ما زمان زیادی نداریم که صبر کنیم" و رئیس جمهور اعلام می‌کند که "جنگ فرسایشی به نفع ما نیست". برای نجات از جنگ به تصاعد جنگ متوسل می‌شوند. آرمانخواهی ارتجاعی و تجاوزکارانه آنان را در باتلاقی فرو برده است که این تقللا برای نجات هر چه بیشتر غرقه‌شان می‌سازد. پدیده‌ای چون جنگ ایران و عراق، بویژه اینکه هدایت گرایش از

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

تعلیل نمود. مدت احداث پناهگاهها از سوی شهرداری یکماه اعلام شده بود. مسئولین استانداری تهران این پناهگاهها را نیمه کاره رها کرده و اکنون این مناطق به "زباله دانی اصلی" شهر بدل شده‌اند. ساکنین کرج معتقدند که پناهگاه ضد حملات هوایی عملاً به پناهگاه "میکروبیهای خطرناک و مسمی" تبدیل شده است.

*بایانی مسئول اعزام دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی گفتگویی با واحد مرکزی خبر که در روزنامه اطلاعات ۴ تیر نیز درج شد اعلام کرد که سومین کاروان سراسری و متمرکز دانشگاهیان کشور اول مرداد ماه، به جبهه‌های جنگ اعزام خواهد شد. نامبرده افزود که طرحی در دست مسئولین است که بر اعزام استادان دانشگاهها به جبهه‌های جنگ نیز نظارت دارد.

وی گفت دانشجویان اعزام شده به جبهه‌های جنگ می‌توانند با گذراندن ترم فشرده یک ماهه ۷ واحد درسی عقب مانده خود را جبران نمایند.

جدید برای عملی کردن این مصوبه مجلس شورای اسلامی، استفاده خواهند کرد.

*زلزله بروجرد و تهران را لرزاند.

*بیهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در مراسم اولین دوره عالی مدیریت اجرایی آموزش مدیران کارخانجات که موسوی نخست وزیر نیز در آن حضور داشت رسماً اعلام کرد که جمهوری اسلامی تحت "شرایط جدید اقتصادی" تنها به "تامین حداقل نیازهای مردم" مبادرت خواهد کرد. نبوی البته بار دیگر بر "تامین کلیه نیازهای جنگ تحت هر شرایط" تأکید نمود.

*کیهان ۲ تیر - طرح احداث پناهگاههایی در مرکز شهر کرج که از سوی استانداری تهران بمرور اجراء آمده بود، مورد اعتراض ساکنین این شهر قرار گرفت. در واقع زمستان سال گذشته شهرداری کرج خیابان اصلی این شهر را به منظور ایجاد پناهگاه

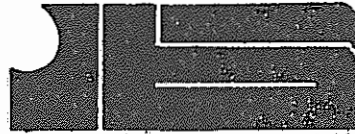
شورای همکاری خلیج در جده واقع در عربستان سعودی برگزار شده است. گفته می‌شود که در این اجلاس مسئله جنگ ایران و عراق بررسی خواهد شد. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در اولین موضعگیری رسمی اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای تصمیمات این اجلاس ارزشی قائل نیست و سیاست تداوم جنگ را ادامه خواهد داد.

*اطلاعات ۴ تیر - محشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد که انتخابات میان دوره ای مجلس، دهم مرداد ماه برگزار خواهد شد.

*رئیس اداره تشخیص هویت شهربانی اعلام کرد که از کلیه کسانی که به ۱۵ سالگی می‌رسند انگشت‌نخاری خواهد شد. نامبرده اعلام کرد که از فرصت ایجاد شده در اثر مراجعه متقاضیان دریافت شناسنامه

کازگران همه کشورها
متحد شوید!

روزه پلنوم



ازگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)

مرکز برامپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

اول تیرماه ۱۳۶۵ - صفحه ۴۰۰ ریال

دوره دوم - سال سوم - شماره ۲۹

گزارش هیأت سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

تشکیل پلنوم وسیع کمیته مرکزی با شرکت همه اعضای کمیته مرکزی و کادرهای فعال تشکیلات سازمان در مناطق مختلف کشور و نیز خارج از کشور موفقیت تازه و بزرگی است که جنبش کمونیستی و کارگری ایران در پی یک سال و نیم رژیم پلید حاکم بدست آورده است. تشکیل پلنوم در شرایط ضروری و اختناق حاکم بر کشور و موضوعاتی که در دستور کار آن قرار دارد، اهمیت و تشکیل این پلنوم وسیع و نقش و تاثیرات آن را بر سر نوشت مبارزه آتشی چندین برابر می کند. تشکیل پلنوم وسیع کنونی نتیجه فعالیت بیگانه دستگاه رزبری و کادرهای سازمان و نیز تخریب است دگی و رژیم دلیران است. فدائیان خلق در سازمان و در زندانهای مخوف خمینی است. در بیان و ستایش آزادی و رژیم واپست دگی، روزندگان پاک باخته و شجاع فدایی

درباره سیاست و برنامه سازمان

در سالهای ۶۱-۱۳۵۷

مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۷

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

به مردم ایران

مردم شریف ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، روز مجبانه ترین سلام های خود را شما می کند. فدائیان خلق با مردم خود پیوند استوار و گسست ناپذیری دارند. ما در تاریخ ۱۵ سال رژیم و رنج خود را می رانیم. بیگانه و سرکوب خونین سیری نکرده ایم، اما نه بیگانه های

ما به زودی به صورت یک کتاب در دسترس هم میهنان قرار خواهد گرفت.

در این شماره، از میان اسناد منتشر شده بخشی از گزارش هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان به پلنوم وسیع را برای انتشار برگزیده ایم که به تشریح "آرایش سیاسی نیروهای اپوزیسیون و سیاست ما" اختصاص دارد. در این بخش گزارش سیاست سازمان بهرامون تمامی جریانها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون با دقت و باصراحت ارائه گردیده است.

"کار" شماره ۲۹ که بخشی از اسناد پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را منتشر کرده، در خارج از کشور نیز وسیعاً توزیع و با استقبال گسترده هم میهنان ما هم خارج روبرو شده است. در دوسلد اساسی که تاکنون منتشر گردیده است، رؤس رویدادهای سالهای پس از انقلاب بهمن و نیز وضعیت کنونی کشور و وظایف نیروهای انقلابی تشریح شده است. شماره آتی "کار" بقیه اسناد پلنوم را انتشار خواهد داد. مجموعه اسناد پلنوم فروردین

از گزارش هیأت سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آرایش سیاسی نیروهای اپوزیسیون و سیاست ما

رفقا!

تقویت می شود. سلطنت طلبان یک جریان واپسته به امپریالیسم هستند. این جریان از امکانات درون رژیم خمینی تغذیه می کند و سود می جوید و تلاش می کند در درون نیروهای مسلح، افسران سلطنت طلب را متشکل کند. علاوه بر آن تلاش می کند که پاتکیه پرنفوذ پاره ای خانها و فئودالهای مناطق عشایری، از نیروهای عشایر بهره گیرد. چنانچه بی شمار خمینی، به دستمایه عوامفریبی های این جریان علیه انقلاب بهمن تبدیل شده است. این جریان دشمن مردم است و باید به موازات رژیم تبهکار خمینی در تمام جهات علیه این دشمنان شناخته شده خلق نیز پی گیری نه برد کرد.

جریان بورژوازی - لیبرال گروه دیگر اپوزیسیون است. در طیف آنان، هم گروه های مذهبی و هم گروه های غیر مذهبی وجود دارند. سازمان در قبال بورژوازی لیبرال از خط مشی افشا و انفراد آن از جنبش انقلابی مردم ایران پیروی می کند.

در شرایط کنونی جریان "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان در پیشاپیش نیروهای قرار گرفته است که تحول بورژوازی - لیبرالی در حکومت را دنبال می کنند. برنامه "نهضت آزادی" حفظ نظام سرمایه داری

اکنون نیروهایی که در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفته و در صحنه سیاسی کشور فعالند، متعدد و متفاوت هستند. اثرات فعالیت این نیروها بر اوضاع سیاسی کشور یکسان نیست. برخی نیز تاثیر ناچیز بر سیر رویدادها دارند. مجموعه نیروهای اپوزیسیون نظر به ماهیت طبقاتی و تحولاتی که هر یک در اوضاع کشور و حاکمیت سیاسی طلب می کنند به جریان های مختلف تقسیم می شوند.

یک گروه سلطنت طلبان هستند. این جریان حول مثلث پهلوی - بختیار - امینی متشکل شده و رهبری می شوند. هدف آن ها بازگرداندن رژیم سابق بجای حکومت فعلی است. برنامه آن ها احیای سلطه سرمایه داران بزرگ واپسته به امپریالیسم آمریکا، احیای کامل مواضع امپریالیسم جهانی و احیای دوباره شکل سلطنتی حکومت است. آن ها برای استقرار مجدد آن رژیمی مبارزه می کنند که انقلاب بزرگ بهمن به زیاده دانه تاریخ افکند. به همین دلیل برنامه و خط مشی آن ها ارتجاعی و همه تلاش های آن ها نیز از موضع ارتجاعی است. این جریان از حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برخوردار است و توسط آن ها

ایران، هموارتر کردن راه رشد آن و نیز برقراری روابط "دوستانه" با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است. "نهضت آزادی" برای اجرای این برنامه انجام تغییراتی در حکومت و سیاست آن را با استفاده از روش های قانونی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ضروری می بیند. این جریان مخالف ادامه جنگ و انحصار قدرت در دست آخوندهاست و برای تامین برخی آزادی ها و تامین فعالیت خود و دستجات مشابه تلاش می کند. این فعالیت اکثرا با واکنش سرکوبگرانه دستجات چماق دار حزب الله مواجه بوده است. واکنشی که افشاگر ماهیت عمیقاً ضد دموکراتیک رژیم ولایت فقیه است. این نیرو تلاش می کند که در اس میارزات مردم قرار گیرد و نیروی توده ها را در جهت اهداف خود غرضانه و سازش کارانه منحرف سازد. امپریالیسم آمریکا و نیروهای سلطنت طلب از تقویت این جریان استقبال می کنند. مهدی بازرگان اخیراً با دعوت عده ای از رجال پانزده ساله چپیه ملی سابق و برخی عناصر مشابه برای ایجاد یک جابجایی لیبرالی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی جریان تازه ای تحت عنوان "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تشکیل داده است. هدف سفر سال گذشته بازرگان به آلمان و سفر کنونی ابراهیم یزدی به آمریکا جلب حمایت قدرت های امپریالیستی غرب و محافل دستجات ایرانی مشابه بوده است. در حال حاضر سیاست سازمان نسبت به این نیرو، افشای ماهیت برنامه و سازشکاری آن با ولایت فقیه و امپریالیسم و روابط آن با سلطنت طلبان، جهت جلوگیری از نفوذ آن در میان توده هاست.

اکنون باید برای همه توضیح داد که علت این که در رژیم ولایت فقیه میهن پرستان و انقلابیون و عناصر دموکرات و مترقی زیر شکنجه و پای جوخه اعدام به شهادت می رسند و سرکوب می شوند، اما بازرگان ها تحمل می شوند و امکان می یابند برای شرکت در قدرت و تامین اهداف سیاسی خود، دسته درست کنند، آن است که آن ها با این رژیم به لحاظ مواضع ایدئولوژیک و اهداف طبقاتی همخوانی و اشتراکات زیادی دارند.

درباره "شورای ملی مقاومت ایران" قبل از هر چیز باید گفت که اولاً این کانون بر خلاف نام خود، سواى سازمان مجاهدین هیچ یک از دیگر نیروهای شناخته شده و موثر جنبش ملی مقاومت ایران را در بر نمی گیرد، ثانیاً این شورا با نیروی اصیل و پیگیر مقاومت خلق ایران یعنی جنبش کمونیستی ایران نه رابطه دارد و نه در رفتار خصمانه خود با آن تجدید نظر کرده است. طی یکسال و نیم اخیر تعدادی از نیروهای آن ترجیح دادند که فعالیت خود را در خارج از این کانون ادامه دهند. حزب دموکرات کردستان ایران، مهمترین آن ها بود. در حال حاضر نیروی اصلی و اراده واقعی این "شورا" سازمان مجاهدین خلق است.

بررسی برنامه و خط مشی سازمان مجاهدین نشان می دهد که رهبری این نیرو در برنامه و خط مشی و در عرصه فعالیت ایدئولوژیک و حیات درون سازمانی به شکل بارزی از مواضع انقلابی و دموکراتیک سابق خود عقب نشسته است. محتوای طبقاتی برنامه و خط مشی سیاسی و ستگیری کنونی دستگاه رهبری مجاهدین بورژوازی و راستگرایانه است. سیاست و ستگیری کنونی این سازمان به طور کلی در چارچوب مواضع "دموکراسی

ملی" است. اما در میان نیروهای اجتماعی هوادار مجاهدین تمایلات دموکراتیک و مردمی همچنان نیرومند است. علی رغم اینکه ما با مواضع و ستگیری دستگاه رهبری مجاهدین نسبت به قدرت های امپریالیستی، نسبت به جنبش ها و کشورهای مترقی و نسبت به سایر نیروهای مترقی ایران موافق نیستیم و آن را برای سازمان مجاهدین و جنبش انقلابی ایران زیانبار می شناسیم، با این حال تصریح می کنیم پنایر خصلت مرحله کنونی مبارزه، سازمان مجاهدین خلق متحد نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. بر این پایه سیاست سازمان ما نسبت به این نیرو، اتحاد و مبارزه است. هدف عاجل این سیاست تامین اشتراک مساعی و وحدت عمل موثر و اتحاد میان دو سازمان برای سرنگونی رژیم خمینی و تامین خواستهای مردم خلق یعنی صلح و آزادی است. ما مکرراً از مجاهدین دعوت کرده ایم به راهی برگردند که آن را ترک کرده اند. امتناع از همکاری و وحدت عمل با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که بگانه منشا آن بیم از امپریالیسم و بورژوازی بزرگ است، ضدیت با کمونیست ها که از سیاست جلب حمایت و دوستی با امپریالیسم و ارتجاع نیز سرچشمه می گیرد، قبل از همه هر گونه خصلت دموکراتیک و ترقی خواهانه حاملین آن را آماج خود قرار می دهد. در حال حاضر سازمان مجاهدین، پذیرش رهبری خود را شرط اتحاد و همکاری با دیگران قرار داده است. واضح است که گذاشتن چنین شرطی از طرف هر نیرو که باشد عملاً به معنی نفی اتحاد و در غلطیدن به سکتاریسم است. به صلاح آن ها و به سود مردم ستمدیده ماست که این گونه شرط و شروطهای غیر واقع بینانه کنار گذاشته شود. ما در موضوع اتحاد و همکاری این گونه شرایط را اساساً رد می کنیم و به جای آن پلاتفرم مشترک را پیشنهاد می کنیم.

با این حال ما از مبارزه مجاهدین علیه رژیم حمایت می کنیم. سازمان ما جنایات رژیم علیه مجاهدین را افشا و محکوم می کند. تامین همکاری و دوام آن، با گسترش کار مشترک در پایین نیز مربوط می شود. علی رغم موانعی که در بالا وجود دارد، زمینه همکاری در پایین کاملاً وجود دارد. فداییان خلق از کار مشترک در محیط کار و زندگی با مجاهدین استقبال می کنند و از آنان در برابر تهاجم رژیم حمایت می کنند. این فعالیت به گسترش مبارزه علیه رژیم کمک می کند.

در عین حال، سازمان ما وظیفه خود و همه فداییان خلق می داند که مردم را از خصلت بورژوازی برنامه، خط مشی و سمت گیری کنونی سازمان مجاهدین و پذیرش ایجاد دولت اسلامی از سوی آنان آگاه سازد و عوارض خطرناک سیاست جلب دوستی و حمایت امپریالیسم و ارتجاع عرب و انحصار طلبی سیاسی مجاهدین را خاطر نشان سازد و نیز اهداف ارتجاعی تبلیغاتی و سمپاشی های رهبری سازمان مجاهدین خلق علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را تا به آخر افشا کند. ما امیدواریم که توضیقات اخیر محافل ارتجاعی و راست فرانسه علیه مجاهدین، رهبری آنان را به درک آثار مخرب سیاست جلب اعتماد امپریالیسم و رهمنون شود و به تجدید نظر در مواضع کنونی سوق دهد. با سیاستی که مجاهدین دنبال می کنند آنچه که امروز در فرانسه علیه مجاهدین در حال تکوین است، فردا ممکن است در جای دیگری تکرار شود. به علاوه این مسلم است که اگر چشم انداز پایان

از پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به مردم ایران

مردم مبارز و آزاده ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی درباره خطر سلطنت طلبان به مردم زحمتکش و آزاده ایران هشدار می دهد و از آنان می طلبد که در برابر فریب این دشمنان آزموده خلق به هوشیاری خود بپردازند.

سرمایه داران لیبرال نیز مصلحت جو بهانه با فریب خشم و نفرت مردم هم آوایی می کنند. آن ها در پی آزادی خود اند و زیر شعار "حاکمیت ملی" می کوشند حاکمیت خود را تماماً مستقر نمایند. هدف این گروه جلب اعتماد مردم به خود و الحراف جلبش بوده ای از مسیر انقلابی می باشد. مردم ایران نباید بگذارند که لیبرال ها قادر نباشند به خواست های دموکراتیک و انقلابی آنان جامه عمل بپوشانند.

خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقی خواهانه انقلاب بهمین، به سلطنت طلبان فرصت مانور و نبرنگ داده است. آن ها سالوسانه خود را آزادپخواه، استقلال طلب و عدالت گستر معرفی می کنند تا اهداف ضد ملی و ضد مردمی شان را از انظار پنهان سازند. هدف پلید آن ها این است که سوار بر موج ناراضایی مردم حاکمیت سرنگون شده خود را از نو برقرار کنند و کشور را چولانگاه هارت و جهانول هزار فامیل کرده و میهن بپلاکشده ما را دوباره به زیر سلطه همه جانشیه امپریالیسم آمریکا در آورند.

نیروهای اپوزیسیون ترقی خواه کشور است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردان های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران و دیگر سازمان های مارکسیست - لنینیست، نیروهای این جنبش را تشکیل می دهند. سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلق اهمیت و نقش درجه اول قایل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان راه و آرمان آن، در فراهم آوردن شرایط ذهنی ضرور برای تامین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران شرطی اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دمکراتیک و ملی ایران بی معناست. کمونیست ها خوب درک می کنند که چگونه رودرویی نیروهای پیشاهنگ طبقه کارگر و تشدید تضادها و اختلافات میان آن ها به تضعیف مواضع طبقه کارگر در جنبش دمکراتیک می انجامد و چگونه حرکت کمونیست ها به سوی وحدت در حزب واحد طبقه کارگر مواضع آن را در جنبش و جامعه تقویت می کند. هم از این روست که سازمان ما در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامه و اساسنامه واحد، پیگیرانه مبارزه می کند. سازمان در این مبارزه و در روابط خود با سایر نیروهای جنبش کمونیستی ایران از اصل برابری حقوقی پیروی می کند. در سر راه این وحدت هر چند موانع متعددی وجود دارد، ولی سازمان مصمم است که بر موانع غلبه کند و خواهد کرد.

در این شرایط که دشمنان طبقه کارگر، تمام نیروی خود را برای پراکندن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت میان نیروهای فعال در جنبش کمونیستی و کارگری ایران به کار گرفته اند، ترویج هر چه فعالیت و موثرتر ایده وحدت و مبارزه در راه آن از اهمیت و الویت خاص برخوردار است. به علاوه باید تاکید کرد که مبارزه در راه وحدت یک مفهوم کلی و عاری از وظایف مشخص نیست. این مبارزه وظایف مشخصی را فراروی ما قرار می دهد که باید پیگیرانه در راه انجام آن کام برداریم.

از گزارش هیات سیاسی به ...

گسترش کار تبلیغی، ترویجی و سازمانگرا در میان کارگران و زحمتکشان وظیفه محوری ماست. سازمان ما تلاش می کند که رهبری مبارزه کارگران در کارخانه ها و واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی را بدست گیرد.

در شرایط فعلی اهم این وظایف عبارتند از:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی و نیز همکاری و اتحاد عمل و مشاوره و همفکری سازمان و حزب با هدف ارتقا وحدت کنونی به سطح وحدتی همه جانبه.

- مبارزه در راه تامین وحدت فکری و سیاسی و نیز اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات سازمان با سایر سازمان های مارکسیست - لنینیست ایران.

- کارپست اشکال و شیوه های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هر گونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هر گونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در حفظ پاکیزی آن. سازمان به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، برای نیرومندی و تقویت پایگاه توده ای خود، یعنی برای تبلیغ مواضع سازمان و بسیج خلق تحت رهبری خود مبارزه می کند. هر چه سازمان نیرومندتر گردد، جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما قوی تر خواهد شد.

در مبارزه به خاطر تامین وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، باید لزوماً اهمیت تامین وحدت فکری و سیاسی با سازمان های معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، از جمله گروه منشعب از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیرو بیانیه ۱۶ آذر - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخی گروه های مشابه نیز مورد توجه قرار گیرد. دامنه ناچیز تاثیر مستقیم حرکت و فعالیت این جریان ها در کشور نمی تواند و نباید مانع توجه ما به اهمیت

جنگ روشن شود، دلایل کنونی برای صدام چنانچه کار کافی نخواهند بود که به حمایت سیاسی و مادی خود از سازمان مجاهدین ادامه دهد. سازمان مجاهدین باید به راه نزدیکی با کمونیست های ایران بازگردد و سیاست جلب اعتماد امپریالیسم و ارتجاع منطقه و دوری از کمونیست ها را رها سازد. در قرقگاه امپریالیسم و ارتجاع، در میان محافل و احزاب امپریالیستی و ارتجاعی برای تحقق آرمان هایی که سازمان مجاهدین برای جامعه عمل پوشیدن به آن ها به وجود آمد، متحد و مددکاری وجود ندارد. به علاوه تاسف بار است وقتی مشاهده می شود که ولع رهبری مجاهدین برای بهره برداری از تضاد برخی محافل امپریالیستی اروپا و ارتجاع عرب با رژیم ایران، این رهبری را به وسیله ای برای "حل اختلافات" یا رژیم خمینی تبدیل می کند.

از گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان

فداییان خلق ایران (اکثریت)

این رژیم، رژیمی است به غایت ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دمکراتیک که سد و مانع عمده تکامل جامعه ماست. هر نوع تحول بنیادین و انقلابی جامعه قبل از همه در گرو آن است که جمهوری اسلامی سرنگون شود و از سر راه برداشته شود.

رفقا!

در میهن ما علاوه بر سازمان های سراسری نیروهای دیگری هم هستند که در میان خلق های تحت ستم مبارزه می کنند و آماج عمده آنان رفع ستم ملی است. اهمیت مسئله ملی و نقش این نیروها در جنبش دمکراتیک و مبارزه به خاطر سرنگونی رژیم ایجاب می کند که سازمان پیگیرانه در راه اتحاد با این نیروها در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش بوزد.

در این زمینه قبل از همه باید به حزب دمکرات کردستان ایران اشاره کرد. هدف اعلام شده خط مشی سیاسی و مبارزه این حزب تامین خودمختاری در کردستان و دمکراسی در ایران است. حزب دمکرات کردستان ایران آماج نهایی خود را از سوسیالیسم به سوسیالیسم دمکراتیک تغییر داده است. سوسیالیسم دمکراتیک هموار کردن رشد دمکراتیک سرمایه داری در کردستان را پی می گیرد و در مرحله کنونی ناسیونالیسم ترقی خواه خلق کرد را نمایندگی می کند. در شرایط کنونی حزب دمکرات کردستان ایران، نقش عمده ای در جنبش ملی و دمکراتیک مردم کردستان ایفا می کند. سازمان در روابط خود با حزب دمکرات کردستان از سیاست اتحاد و مبارزه پیروی می کند. بر این پایه سازمان حزب دمکرات را به اتحاد در چپ و واحد در راه اهداف مشترک و سرنگونی جمهوری اسلامی فرا می خواند. سازمان از مبارزه حزب دمکرات علیه حکومت پشتیبانی و تهاجم رژیم علیه آن را افشا و محکوم می کند. در عین حال سازمان پس رفت حزب دمکرات کردستان به مواضع "سوسیال دمکراتیک" و نیز آثار زیان بخش آن در تقویت گرایش بورژوازی در آن حزب و نیز تمایلات انحصارطلبانه و سلطه جویانه آن را مورد انتقاد قرار می دهد و برای تقویت تمایلات دمکراتیک در قبال تمایلات راستگرایانه، سلطه جویانه و تنگ نظرانه درون جنبش ملی کرد مبارزه خواهد کرد.

جنبش ملی خلق کرد اکنون از خرابکاری دارودسته شبه پل پوتیس و ارتجاعی حزب کدایی "کمونیست" که کومله نیروی اصلی آن است، آسیب می بیند. این به اصطلاح "حزب" در اساس عامل خرابکاری بورژوازی بین المللی در جنبش کمونیستی و کارگری ایران است و می بایست تماماً افشا و منفرد شود. سیاست، برنامه و مواضع ایدئولوژیک رهبری کومله همان مواضع حزب کدایی است. اما در میان اعضا و پیشمرکه های کومله عناصر زیادی وجود دارند که صادقانه برای رفع ستم ملی و سعادت مردم زحمتکش کردستان مبارزه می کنند. وظیفه ماست که با برخورد مثبت بکوشیم این عناصر از حزب کدایی جدا شوند و راه صحیح مبارزه را انتخاب کنند.

رفقا!

جنبش کمونیستی ایران پیگیرترین نیروی انقلابی در میان

از بهیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به زندانیان سیاسی

ما را نمی‌توان به زانو در آورد. سنت مادر زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها این است که در برابر دژخیمان گوش به صدای پای خلق بسپاریم و چوگان خلق، برپا ایستاده و افراشته سر بردخیم پوزخند تحقیر و شکست ز نیم.

یافت. اقلیت طی این مدت روزبروزیه قهقرا رفته است. سکتاریسم مفرط، کار این گروه را متأسفانه به آنجا کشیده است که چندی پیش نزدیکترین رفیقان همراه نیز در این گروه بر روی یکدیگر اسلحه کشیدند و بدست خود ۵ شهید بر جای گذاشتند و انشعاب خونینی را سازمان دادند. اکنون ۶ سال است که روند انشعاب و تجزیه پیاپی و تشدید خصومت این جریان با سایر نیروهای ترقیخواه ایران پیوسته تشدید شده است. یا این حال سیاست ما نسبت به این جریان همچنان کوشش در جهت ترک مقابله آن با سایر نیروهای دمکراتیک و پذیرش همکاری علیه رژیم خمینی از طریق تقویت مواضع نیروهای سالم آن است. بعلاوه ما در همه جا وظیفه خود می‌دانیم که علیرغم خصومت حاد این جریان با سازمان، از فعالین آن در برابر یورش سرکوبگرانه رژیم تاهر چاکه ممکن است حمایت کنیم.

رفقا!

بدین ترتیب سازمان ما به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، در راه اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و انقلابی در جبهه متحد خلق نیز مبارزه می‌کند. این دو مبارزه نه تنها نافی یکدیگر نیستند، بلکه مشخصاً در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند. همانطور که مشاهده می‌کنید، تشکیل هر چه سریعتر جبهه‌ای که همه نیروهای انقلابی و مترقی کشور را در بر گیرد، ضرورت تام و تمام دارد. آرایش نیروهای سیاسی کشور حاکمی از آن است که در حال حاضر نیروهایی که می‌توانند در جبهه متحد خلق شرکت کنند عیارند از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، گروه منشعب سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروان بیانیه ۱۶ آذر، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و سایر گروههای مشابه، سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران و سایر جریانهای ملی در سایر مناطق کشور. باید کوشید محافل و شخصیتهای ملی و مترقی و دمکرات که با جنگ و "ولایت

از بهیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی به مردم ایران

حکومت فقها که به نام دین فرمان می‌راند هیچ جایی برای اعمال اراده مردم در تعیین سرنوشت خود باقی نگذاشته است. چاره این ستمگرها، راه پایان بخشیدن به استبداد و اختناق، راه دستیابی به صلح پایدار و آزادی، نابودی رژیم ولایت فقیه است. برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی متحد شویم!

فقیه "مخالف اند به اتحاد با این جبهه جلب کردند. تشکیل چنین جبهه‌ای از مسایل حاد و مبرم جنبش ماست. در این میان وظیفه سازمان ما بسیار سنگین و خطیر است. فداییان خلق باید صدها بار بر سطح فعالیت کنونی خود بیافزایند، هم در راه متحد و متشکل کردن طبقه کارگر و جنبش توده‌ای و هدایت آن و هم در راه متحد و متشکل کردن نیروهای انقلابی و مترقی و پیوند این دو وظیفه با یکدیگر. در وضع کنونی آرایش سیاسی نیروها، این گردهمایی تاریخی، همه نیروهای ضد امپریالیستی دمکراتیک و انقلابی ایران را به درک مسئولیت تاریخی خود فرا می‌خواند و آنان را به پاسخگویی مثبت به فراخوان های سازمان دعوت می‌کند.

موضوع گردد. واقعیت این است که با تبدیل رو در رویی و خصومت این گروه‌ها به سوی همکاری در مبارزه به خاطر سرنگونی رژیم، در عمل نیروی به مراتب بیشتری از جمع جبری نیروهای ما به سوی دفاع از مواضع طبقه کارگر و مواضع پیشاهنگ آن جلب خواهد شد.

مساله مقدم که این گروه‌ها باید در رابطه با اتحاد عمل با سایر نیروهای دمکراتیک کشور حل کنند، آن است که آنها در عمل همکاری با سایر جریانهای مارکسیستی، دمکرات و مترقی را به علت وجود اختلاف نظر در زمینه مسایل ایدئولوژیک بکلی نفی و اتحاد عمل علیه ارتجاع حاکم بر ایران و امپریالیسم جهانی را موکول به حل اختلافات مذکور می‌کنند.

از گزارش مباحث سیاسی به ...

اکنون مدت ۷ سال از تهاجم رژیم علیه خلق کرد می‌گذرد. در طی این مدت دهها هزار نفر از مردم کرد قتل‌عام شده‌اند. امروز خلق کرد با بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای مسلح رژیم درگیر نبردی نابرابر و خونین است. اکنون کردستان بیشتر به یک سرزمین اشغال شده شبیه است تا بخشی از خاک مبین ما. کینه‌ورزی سران رژیم نسبت به اقلیت‌های ملی علاوه بر شورش و فاسد شدن بدترین نوع اعمال ستم مذهبی همراه است.

جنبش ملی خلقهای تحت ستم کشورهای متحد طبقه کارگر در انقلاب ملی - دمکراتیک بشمار می‌رود. طبقه کارگر و جنبش‌های ملی در مبارزه علیه رژیم دارای منافع مشترکی هستند و بر این پایه باید مبارزه انقلابی خود را در پیوند نزدیکتر باهم قرار دهند.

بعلاوه آنها یا اساساً خواهان اتحاد نیروهای دمکراتیک نشده‌اند و یا پذیرش رهبری خود را شرط تشکیل جبهه یا اتحاد با سایر نیروهای ترقیخواه کشور قرار می‌دهند. ما با چنین سیاستی موافق نیستیم. تأثیر عینی این نحوه برخورد فقط و فقط تضعیف مواضع طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در روند رویدادهای کشور است. بعلاوه واقعیت این است که سمت اساسی مبارزه سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علیه رژیم خمینی و برای سرنگونی آن و گشودن راه تأمین اساسی‌ترین خواسته‌های مردم، با وظایف میرمی که راه کارگر و پیروان بیانیه ۱۶ آذر فراروی خود قرار می‌دهند، نه تنها نافی یکدیگر نیست، بلکه مشخصاً در یک راستاست. اما متأسفانه این دو سازمان و محافل مشابه بجای تکیه بر این نقاط وحدت و کوشش مسئولانه برای گسترش دامنه آن، مبارزه علیه سازمان و خصومت با آن را به سود خود می‌پندارند. اما ما هرگز نه این سیاست آنان را به سود آرمانهایشان تلقی کرده‌ایم و نه مقابله به مثل را به سود مردم ایران تلقی خواهیم کرد. باشد که استواری صادقانه در مواضع مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروлетری و یکپارگی امان علیه هرگونه انحراف از آن، و پیشبرد فعالانه و فداکارانه مبارزه علیه رژیم خمینی و نقشی که عللاً در جنبش کارگری و توده‌ای ایران بر عهده داریم، سرانجام راه همکاری، اتحاد عمل، وحدت فکری، سیاسی و سازمانی با دست کم اکثریت این نیروها را بکشاید.

در اینجا بجاست جریان "اقلیت" که نزدیک به ۶ سال پیش از سازمان انشعاب کرد نیز مورد اشاره قرار گیرد. این جریان که تحت عنوان "سازمان چریکهای فدایی خلق" فعالیت خود را آغاز کرد، راه غم‌انگیزی را طی این مدت پیموده است. این جریان نه تنها برضعفها و انحرافات خود غلبه نکرد، بلکه همراه با تحمل انشعابات مکرر مشخصاً و مصرأ در همان راه کج تا امروز پیش رفته است. جای تأسف بسیار است که رهبری فعلی این جریان امروز تنها عرصه فعالیت خود را در خارج از کشور و در درگیری فیزیکی خونین با همه جریانهای مترقی و انقلابی ایران

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

بقیه از صفحه آخر

بر وعده‌های پیشین، از کارگران خواست چند پل دیگر نیز بسازند. کارگران ۱۶ پل دیگر نیز ساختند و پس از پایان ساختمان آخرین پل، خواهان اجرای وعده‌ها شدند. آنها در این رابطه به مسئولین بندر مراجعه کردند. اما پاسخ چنین بود: مسافرت به مشهد یعنی چه؟ بلیط هواپیما کدامست؟ مزد اضافی چیست؟ چه کسی چنین قولی به شما داده است؟ ... کارگران پل‌ساز باید در بندر بمانند زیرا ما به آنها نیاز داریم!

کارگران که شدت خسته و خشمگین بودند، اختلال کردند که بالاخره حقوق خود را در بوشهر خواهند گرفت و سپس را با با هزینه شخصی راهی بوشهر شدند. آنها در بوشهر از رئیس شرکت و رئیس محوطه (کارگاه) تقاضای حق اضافه‌کاری و مسافرت به مشهد و بابت پرداخت هزینه آن را کردند. رئیس شرکت از وعده‌های نبوی اظهار بی‌اطلاعی کرد! این برخورد بی‌شرمانه، عزم کارگران را در احقاق خواسته‌هایشان راسخ‌تر کرد. همزمان با این واقعه دوباره زمزمه تغییر نام شرکت در سال جدید شد گرفت. کارگران شرکت فرم‌هایی را مشاهده کردند که در آن از کارگران خواسته شده بود که به استخدام شرکت ملاصدا در آیند.

وعده‌های پوچ و فریبکارانه نبوی، ذهن‌کشی به خواسته‌هایی که کارگران از مدت‌ها پیش مطرح کرده بودند و نیز تبعیض در انتصابات تعدادی از کارگران از سوی مدیریت برای اعزام آنها جهت گذراندن دوره‌ای در خارج و قابل شدن امتیازاتی برای چند سرپرست دست‌آموز، سرانجام موجب واکنش تند کارگران شد، بدین سان که بعنوان اولین گام جلیل‌خیره و رئیس محوطه را دست‌پسته با توسی دور کارخانه چرخاندند و از شرکت بیرون راندند. سپس خود اداره امور شرکت را به دست گرفتند.

چندی بعد با مراجعه "خیره" به مقامات در تهران، هیاتی جهت مذاکره با کارگران به بوشهر اعزام شد. اعضای هیات در جلسه‌ای که باحضور کارگران برگزار شد، در برابر سخنان مستدل معترضین سنگ روی یخ شدند و مجبور به ترک شرکت گردیدند. کارگران در این جلسه، بویژه نماینده وزارت صنایع سنگین در هیات اعزامی را با سؤال‌های فراوان کلافه کردند. پس از عدم موفقیت این هیات،

آخوند نبوی نماینده بوشهر زیوانه وارد گود شده، کارگران را به موافقت با تغییر نام شرکت تشویق کرد. در همان موقع دروغ وی مبنی بر اینکه هنوز تابلوی "شرکت ملاصدرا" بر سر در اداره شرکت در تهران نصب نشده، برملا گردید و آخوند نامبرده با تمسخر کارگران روبرو شد.

کارگران بر این اعتقاد بودند

خود شدند. سرپرست که یکبار از کارگران کتک‌خوش‌جان کرده بود، قول داد روز بعد حقوق‌شان را پرداخت کند. بدین ترتیب همه اقدامات مسئولین و از جمله تشکیل یک هیات حل اختلاف به ابتکار هیات اعزامی از تهران، شامل رئیس اداره کار، نماینده وزارت صنایع سنگین، نماینده شلالت و سه تن از نمایندگان کارگران به ره‌جایی نبرد.

از مبارزات پیگیرانه کارگران شرکت صنایع ملی دریایی ایران

تجربه‌ای که در همه جا تکرار می‌شود

که رئیس شرکت و همدستانش با این برنامه مقدمات انحلال شرکت را می‌چینند و در نظر دارند یک شرکت خصوصی با مشارکت برخی از دولتمردان رژیم در بندر انزلی تأسیس کنند. و یک حادثه نیز بر شک آنها افزوده بود، مدتی پیش یک تربیلی حامل موتورهای قابل نصب بر روی کشتی و قایق و بعضی اتومبیل‌ها هنگام خارج کردن، توسط کارگران توقیف شده بود و خیره و همدستانش اظهار کرده بودند که موتورهای برای سپاه پاسداران می‌برند، اما پس از تماس با سپاه، خلاف اظهارات مدیریت ثابت شده بود.

پس از آنکه شارلاتان‌پازای‌های نبوی به ثمر نشست، کارگران برای پیشبرد مبارزه و پاسخ دندان‌شکن به شکردهای مسئولین، از میان خود سه نماینده انتخاب کردند و درخواست‌هایشان را در ده مورد منجمه ادامه کار شرکت تحت نام شرکت صنایع ملی دریایی ایران، اداره شرکت با مشارکت کارگران، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، یک وعده غذای مجانی در ساعات کار، یک ماه مرخصی سالیانه و پرداخت اضافه حقوق تنظیم کرده، این خواسته‌ها را همراه با بیانیه‌ای از سوی خویش در جلسه دیگری که با شرکت نماینده بوشهر و هیات اعزامی از تهران برگزار شده بود، قرائت کردند.

چند روز بعد، مدیریت باتکیه بر واحدهای سرکوب برای اعمال فشار بر کارگران، پرداخت حقوق آنها را به تعویق انداخت، کارگران نیز برای مقابله با این ترفند پانگش فبلی دسته دسته وارد دفتر سرپرست محوطه شده، از وی خواهان پرداخت حقوق

مسئولین ناتوان در برابر اتحاد و مقاومت کارگران به اعمال احمقانه‌ای دست یازیدند. آنها در تماس با نیروی دریایی که روز بعد یک کشتی در دست تعبیر داشت، احتمال منفجر نمودن و به آتش کشیدن کشتی از سوی کارگران را مطرح کردند، لذا نیروی دریایی تعداد زیادی نگهبان مسلح به پاسداری از کشتی گمارد.

علاوه بر این ارگانهای امنیتی رژیم برای جاسوسی، ایجاد تفرقه و اختلال در مبارزه کارگران ده تفرز از عوامل خود را بعنوان کارآموز به میان کارگران فرستادند. کارگران جهت خنثی نمودن این ترفند با مشورت جمعی، آنها را به کارهای دشوار واداشته، امکان تماس‌شان را به مجموعه کارگران به حداقل رساندند. ده جاسوس سپاه پس از ده روز درمانده و ناامید کارگاه را ترک کردند.

مسئولین و امانده در بی این ناکامی‌ها که تا آن لحظه بواسطه نیاز شدید به ادامه کاری کارگران بیشتر به سلاح فریب و وعده‌های توخالی متوسل می‌شدند، سرخورده از پیگیری و ایستادگی کارگران به تهدید و ارعاب متوسل شدند و بدین منظور در اوایل خرداد ماه سال جاری تعدادی پاسدار را با دوربین فیلمبرداری و عکاسی و میکروفن و بلندگو به محوطه کارگاه شرکت کسبل داشتند. این حرکت با انزجار کارگران روبرو گردید. وقتی که آنها کارگران را برای استماع سخنرانی یکی از مقامات در مسجد جمع کردند و سخنران با تهدید در لغافه چرب‌زبانی از کارگران خواست که عناصر وابسته به شرق و غرب را که در میانشان نفوذ کرده‌اند از میان خود برد کنند، با نفرت حاضرین روبرو

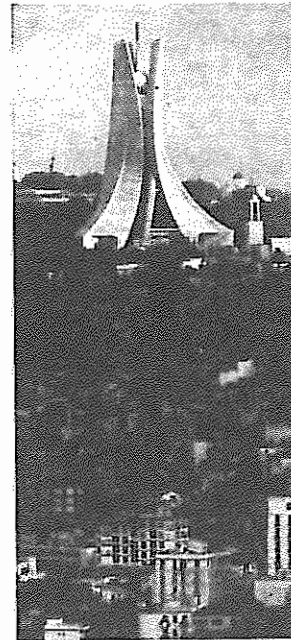
شد. یکی از کارگران برخاسته بایاوه‌گویی‌های این سخنران مقابله کرد و ورود پاسداران را به کارخانه محکوم نمود. وی نشان داد حربه تهدید کارساز نیست. سخنران گفته بود: "در کارخانه زمزمه اعتصاب و کم‌کاری بلند است... ما آمده‌ایم به کارگران هشدار بدهیم مبادا فریب بخورند... والا ما وارد عمل می‌شویم."

در پاسخ به این یاوه‌ها کارگر دیگری گفت: مدیریت شرکت و همدستانش فاسد هستند. وی بخشی از دغلکاریهای رئیس شرکت و شرکایش را بر شمرده و خواهان اخراج آنها گردید و گفت اگر این خواست انجام نشود خودمان آنها را بیرون می‌کنیم. مدیریت و سپاه که در مقابل قاطعیت کارگران خلع سلاح شده بودند، به مدنی امام جمعه بوشهر توسل جستند. اما شکردهای کهنه شده و وعده‌های سرخمن او هم بجایی نرسید.

کارگران در تلگرامی که پس از این وقایع برای مسئولین مملکتی فرستاده‌اند، اظهار کرده‌اند که اگر به خواسته‌هایشان توجه نشود، حقوق‌شان بموقع پرداخت نشود و توطئه برای انحلال شرکت و اخراج کارگران ادامه یابد، خود را با اقدام به فروش تدریجی و سایل و تأسیسات شرکت کرده و بدینوسیله حقوق از دست رفته خود را تأمین خواهند کرد.

وجه برجسته در مبارزه کارگران شرکت ملی دریایی ایران، پیگیری آنان است. این پیگیری در این پدیده رشد‌یافته و فراگیر شونده ریشه دارد که کارگران ایران به تجربه شکردهای رژیم، مدیریت‌ها و ارگانهای سرکوبگر را شناخته‌اند، آنها فریب نمی‌خورند و مبارزه خود را برای احقاق خواسته‌هایشان، با بر ملا ساختن نیرنگهای مختلف، پیش می‌برند. در جریان این مبارزه رژیم گام به گام چهره کربه خود را بیشتر به نمایش می‌گذارد. کارگران همواره به این تجربه می‌رسند که با کلیت رژیم مواجه هستند. آنها پشت سر مدیریت و سرمایه‌دار رژیم رامی‌بینند و در کنار آنان ارگانهای سرکوب را. این تجربه مدام تکرار می‌شود و هر بار عقب‌پیشتری می‌یابد. یک روز در "شرکت صنایع ملی دریایی ایران" و یک روز در شرکت و کارخانه‌ای دیگر. تجربه، مادر آگاهی است. طبقه کارگر ایران می‌رود که سلاح آگاهی را استوارتر در دست گیرد و آن را به سوی کلیت نظام جمهوری اسلامی نشانه روده

الجزایر: ۲۴ سال پس از استقلال



بنای یادبود قهرمانان مبارزه ضد استعمار در الجزایر

بقیه از صفحه آخر

الجزایر از پیکار ملی خلق فلسطین و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، پشتیبانی از ابتکارات و اقدامات صلح‌جویانه اردوگاه سوسیالیستی و به ویژه تلاش در راه حفظ صلح و برقراری امنیت در منطقه مدیترانه، کوشش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و... از رهوس سیاست خارجی الجزایر طی دو دهه اخیر بوده است.

با وجود آن دستاوردها، اکنون که ۲۴ سال از استقلال الجزایر می‌گذرد، این کشور با دشواریهایی جدی، به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی روبرو است. از آن جمله‌اند مسئله قروض خارجی الجزایر و نیز افزایش وابستگی این کشور به خارج. در عرصه تامین مواد غذایی الجزایر در سال ۱۹۸۰، ۵۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز خود را وارد می‌کرد، اما این رقم طی سال گذشته (۱۹۸۵) به ۶۰ درصد رسید. مشکلات اقتصادی از این دست، به اهرم اعمال فشار امپریالیسم و ارتجاع داخلی بر روند تصمیم‌گیریهای دولتی در الجزایر تبدیل شده‌اند.

اصلاحات اولیه

اقدامات مرفقی انجام شده در الجزایر در دهه‌های شصت و هفتاد، بطور بارز در دو عرصه صنعت و

منظور انجام اصلاحات ارضی، بجای تکیه بر حمایت زحمتکشان شهر و روستا و تشکیل‌های مستقل آنان، ترجیح داد راه "کم‌دردسر" تری در پیش گرفته و تنها به مصادره زمینهای آندسته از مالکین اقدام کند که خود در روستاها حضورنداشتند. در نتیجه، از بسیاری خرده مالکین ساکن شهرها خلع مالکیت شد، در حالیکه زمینداران بزرگ ساکن روستاها، اراضی خود را حفظ کردند. محتوای طبقاتی "انقلاب ارضی" مخدوش شد و در میان اقشار میانی، زمینه مناسبی برای فعالیت ابوزیسیون ارتجاعی فراهم آمد.

به خطر افتادن دستاوردهای مرفقی

بفرنجی‌های یاد شده، و نیز تاثیر بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ اقتصاد الجزایر را با مشکلاتی مواجه ساخت. این مشکلات و عوارض اجتماعی آن، نظیر کاهش قدرت خرید توده مردم، به نیروهای ارتجاعی امکان داده است تا با تبلیغ این ادعا که گویا دشواریهای موجود نتیجه اقدامات مرفقی دهه ۶۰ و ۷۰ است، فعالیت‌های خود را برای "لیبرالیزه" کردن هر چه بیشتر سیاست‌های اقتصادی الجزایر افزایش دهند. تلاش این نیروها، که نمایندگانی تا عالی‌ترین سطوح ارکانهای قدرت دولتی دارند، با اعمال فشار امپریالیسم جهانی در همین جهت همراه است. در این رابطه، کشورهای امپریالیستی دست به نوعی تقسیم کار زده‌اند. در حالی که وجه اعمال فشار مستقیم سیاسی و نظامی توسط رژیم ارتجاعی ملک حسن در مراکش و با حمایت آمریکا دنبال می‌شود (متمرکز کردن نیرو در امتداد الجزایر، ادامه اشغال صحرا و...)، برخی محافل سوسیال دموکراسی اروپا در تمسای گوناگون، به رهبری الجزایر وعده می‌دهند که در صورت در پیش گرفتن سیاست مطلوب امپریالیست‌ها در عرصه داخلی و خارجی، از دامنه فشارهای وارده کاسته خواهد شد.

رفیق محمود بن طالب، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب پیشاهنگ سوسیالیست الجزایر، در مقاله‌ای که در رابطه با به خطر افتادن دستاوردهای مرفقی اجتماعی و اقتصادی در این کشور در شماره ۱۲ سال ۱۹۸۴ نشریه "مسائل صلح و

سوسیالیسم" به چاپ رسید، می‌نویسد: "در دستگاه دولتی الجزایر، محافل پر نفوذی وجود دارند که می‌خواهند به برخی گامهای معین برای بهبود اقتصاد آنچنان محتوی و شکلی بدهند که راه تقویت سرمایه‌داری و حتی سلطه یافتن آن هموار گردد. در عمل، بسیاری از به اصطلاح اقدامات جهت بهبود اقتصاد و در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، بطور فزاینده‌ای برای تضعیف بخش دولتی و کاهش حقوق زحمتکشان و سایر شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرد." در ادامه این مقاله، به عنوان نمونه به تحولات سالهای اخیر در بخش کشاورزی اقتصاد الجزایر پرداخته شده و به قطعه‌قطعه شدن اراضی تعاونی‌ها و تحویل آنها به مالکین خصوصی اشاره شده است. در بخش کشاورزی، سرمایه خصوصی رشد روزافزونی دارد. تجار بزرگ با استفاده از روند تلاشی تعاونی‌ها و جا افتادن مکانیزم "بازار آزاد"، توانسته‌اند کنترل بازار توزیع داخلی را در دست گرفته و بهای مایحتاج عمومی را برای سود بردن بیشتر افزایش دهند.

افزایش امکانات برای رشد سرمایه‌داری تنها به بخش کشاورزی محدود نمی‌گردد. از اوایل دهه هشتاد، سرمایه‌داران حضور خود را در صنایع نساجی، چرم و کفش و مواد غذایی و نیز بخش ساختمان، جهانگردی، بازرگانی و خدمات گسترش داده‌اند. در صنایع نساجی، ۷۰ الی ۱۰۰ درصد اغلب اقلام، در واحدهای خصوصی تولید می‌شود. سهم بخش خصوصی در ساختمان، حدود ۲۰ درصد و در خدمات ۶۲ درصد است.

این روند، ثمره پاره‌ای تصمیمات و اقدامات رهبری الجزایر است. بعنوان نمونه، در اوت ۱۹۸۲ دولت الجزایر قانونی پیرامون سرمایه‌گذاریهای خصوصی از تصویب گذراند که به موجب آن، این وظایف برای بخش خصوصی در نظر گرفته شده است؛ ایجاد مشاغل جدید، افزایش شمار و بهبود کیفیت محصولات، گسترش خرده‌فروشی، بهبود خدمات، جایگزینی محصولات داخلی به جای تولیدات خارجی، و کمک به رشد مناطق در دست و عقب مانده. بدین ترتیب دست سرمایه‌داران خصوصی در عرصه‌های وسیعی از فعالیت اقتصادی باز گذاشته شد، بدون آنکه با گذشت ۴ سال از تصویب این قانون، اهداف یاد شده که دستاویز اعلام قانون جدید بود، تحقق یافته باشد. در سال ۱۹۸۴، به انحصار دولتی تجارت خارجی عملاً

در ارکستر ناموزون آشوب آفرینان "راه کارگر" کدام ساز را می نوازد

در روز چهارشنبه ۴ تیر، محوطه سالن غذاخوری دانشگاه فرانکفورت در آلمان فدرال، صحنه آشوب تاسف آوری بود که هواداران فاجعه آفرینان کاپیلون - که به نام "اکتوب" در خارج از کشور فعالیت می کنند - از مجریان اصلی آن بودند. اغتشاش آفرینان قصد داشتند هواداران سازمان ما را از انجام تبلیغات افشاگرانه علیه رژیم خمینی در این محل بازدارند. آنان چند دسته و گروه بودند، چند دسته و گروهی که با هم مجادلات تنیدی دارند ولی در یک مورد وحدت عمل دارند: کانونهای تجمع ایرانیان بیژنه در دانشگاهها فقط باید عرصه درگیریهای فرقه ای آنان باشد و نه مکان سالمی برای افشاکاری علیه رژیم خمینی. آنان از نقاط مختلف نیروهایشان را گرد آورده و به فرانکفورت گسیل کرده بودند تا نشان دهند از نظر آنان یک کانون تجمع ایرانیان باید چه فضایی داشته باشد.

برخی از دست اندرکاران آشوب آفرینی در فرانکفورت همان کسانی بودند که همین چندی پیش آشوب در دانشگاه برلین غربی را سازمان داده بودند. فاجعه آفرینان کاپیلون این بار افراد خود را روانه فرانکفورت ساخته بودند تا همراه با همتایان و همراهانشان که ضد انقلابیون افغانی نیز از جمله آنها بودند، عملیات شرورانه تازه ای را پیش برند. مهاجمین درگیری را با فحاشی علیه سازمان ما و دادن شعارهای میستریک علیه جنبش جهانی کمونیستی و مشخصا اتحاد جماهیر شوروی آغاز کردند. گروه توکل یکبار دیگر سقوط خود را به نمایش گذاشت. هواداران آن همان شعارهایی را تکرار می کردند که ضد انقلابیون افغانی که ما را در

میان نیروهای ایرانی پشتیبان پیگیری و فعال انقلاب افغانستان می دانند، با خشم تمام سرمی دادند. در طی این آشوبگری نقش ضد کمونیست های حرفه ای آبروباخته بسیار چشمگیر بود. آنان که اینجا و آنجا از پشت پرده عملیات را رهبری می کنند، در روز ۴ تیر در فرانکفورت موقعیت را آنقدر حساس ارزیابی کرده که خود را کاملا علنی کرده بودند و مستقیما حمله به ما را سازمان می دادند. آنها دیگر ابایی نداشتند که حتی از شاپور بختیار خائن دفاع کنند. به راستی که این بار نیز گروه توکل نشان داد میل ترکیبی اش با کدام نیروها بیشتر است. فکر و شعار از ضد کمونیست های حرفه ای و کارگشته، فریاد و غایب از ضد انقلابیون افغانی و مشت و لگد از هواداران این گروه. علی رغم این تقسیم کار طبیعی و هماهنگی نه اتفاقی آشوب طلبان اگر چه توانستند آشوب برپا کنند، اما نتوانستند هواداران سازمان ما را از فعالیت افشاگرانه علیه رژیم بازدارند.

در این میان وضعیت هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) تماشایی بود. آنان از مشی عمومی سازمانشان در قبال ما - که یکبار دیگر بعد از اغتشاش آفرینی در دانشگاه برلین غربی در دو اطلاعیه "واحد برلین" و کمیته خارج از کشور "راه کارگر" تصریح شده بود - این خط را گرفته بودند که باید در حمله، فحاشی و هتاکی به هواداران سازمان و جلوگیری از فعالیت ما تا مرز درگیری فیزیکی مشارکت فعال داشته باشند. هواداران "راه کارگر" بعینه تناقض این خط را در فرانکفورت مشاهده کردند. آنان صراحتا

دیدند که آتش بیار معرکه ای هستند که ضد کمونیست های حرفه ای در معیت عده ای سیاهی لشکر از میان هواداران فاجعه آفرینان کاپیلون، تعدادی مائوئیست سرخورده و ضد انقلابیون افغانی از آن بهره برداری اصلی را می کنند.

اطلاعیه خرداد ماه "کمیته خارج از کشور" "راه کارگر"، نقطه شروع تحلیل خود را از ماجرای "بسته شدن منزای برلین" (غربی) بر "وحدت نظر عموم گروه های سیاسی مبنی بر تشدید فعالیت" علیه سازمان ما به قصد جلوگیری از فعالیت ما نهاده بود. در این اطلاعیه البته ذکر شده بود که این "گروه های سیاسی" چه جریاناتی هستند. سیاست جلوگیری از فعالیت سازمان ما اساسا سیاست ضد کمونیست های حرفه ای است. هیچ گروه و سازمان خلقی نمی تواند در عین داشتن داعیه دموکراسی مخالف فعالیت دیگر سازمان های خلقی علیه رژیم خمینی باشد. هواداران "راه کارگر" با پیروی از سیاست تاکید شده در دو اطلاعیه مذکور بناچار نیرویشان در خدمت ضد کمونیست های حرفه ای قرار گرفت "راه کارگر" که در مقابله با رژیم خمینی عملا از پذیرش هر گونه اتحادی سرباز می زند، در عرصه جلوگیری از فعالیت ما از "وحدت نظر عموم گروه های سیاسی" سخن می گوید. در فرانکفورت نیز هواداران "راه کارگر" شروع کار را بر این "وحدت نظر عموم گروه های سیاسی" گذاردند و آنرا تاحد "وحدت عمل" ارتقا دادند. ولی هر کس "عمل" خود را بر مبنای "نظر"ش پیش می برد. "عمل" که آغاز شد، هواداران "راه کارگر" مانده بودند که تا چه حد "نظر" خود را زیر پا بگذارند. تقریبا همه، شعارهای مشترک ضد کمونیست های حرفه ای، ضد جهانی و ضد انقلابیون افغانی را تکرار می کردند. "راه کارگر" بیا سردرگم بودند که چه کنند. کار به درگیری که کشید گنج سری اینان بیشتر شد. چه می بایست کرد؟ زمینه های "عمل" را فراهم آورده

بودند و تازه می بایست به فکر شامت های فردای دیگران که ناپیگیری آنان را افشای کردند نیز باشند.

همواره در سرحد ها و در نقاط اصلی تصمیم گیری و اقدام است که تناقض یک خط عریان می شود. برای این که یکی از جنبه های تناقض در دیدگاه های "راه کارگر" روشن تر شود ما به "راه کارگر" پیشنهاد می کنیم هرگاه برای تشکیل "جبهه" به منظور اقدام برای جلوگیری از فعالیت سازمان ما از "عموم گروه های سیاسی" اسم می آورد، مشخصا نام این گروه های سیاسی را ذکر کند و هرگاه در بالای اعلامیه های خود می نویسد "نیروهای انقلابی و مترقی!" مخاطبینش را به نام بخواند.

چنین تناقضی تنها در برلین غربی و فرانکفورت خود را عیان نساخته و برای هواداران "راه کارگر" آشکار نگشته است. این تناقض ناشی از یک التقاط در بنیانهای فکری این نیرو است؛ بلکه ویرکه؟ ایدئولوژی یک چیز را می گوید و سیاست چیز دیگر را؛ این پاره از ایدئولوژی به این خط منجر می شود و آن پاره از ایدئولوژی به آن خط؛ این بخش از سیاست اگر منطقا تداوم باید این برنامه را می طلبد و بخش دیگر آن برنامه را؛ یک بخش همگن از ایدئولوژی و سیاست و برنامه منطقا ناظر بر اتحاد است و بخش دیگر ناظر بر افتراق؛ یک بخش میتنی بر پذیرش اصل دموکراسی است و بخش دیگر مبتنی بر مخالفت با فعالیت دیگر سازمان های خلقی.

طبیعتا بیلتکلیفی ناشی از این تناقض نمی تواند مدت زیادی دوام داشته باشد. "راه کارگر" حداقل از زاویه مناسباتش با ما دو راه بیشتر ندارد: یا برای همراهی عملی خود با دسته هایی از آن قبیل که بر سرمدیم، توجیه تئوریک پیدا کند و این همکاری در "عمل" را تعمیم داده و به همراهی در "نظر" برسد و یا این که بر دیدگاه های عام نظری خویش وفادار مانده، آنها را در "عمل" نیز به کار بندد و تکلیف خود را با همکاران و همراهان فعلی روشن سازد.

به ساختن کارخانه های ماشین سازی دیگری در این کشور گرفتند. تحولات فوق ناشی از روند رشد سرمایه داری در عرصه های گوناگون اقتصاد الجزایر است که بر مبنای سیاسی داخلی و خارجی رهبری این کشور اثر نهاده و دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم الجزایر را تهدید میکند.

آوریل ۱۹۸۵، شاذلی بن جدید به آمریکا سفر کرده و با ریگان دیدار نمود. الجزایر که با مشکل تامین مواد غذایی مواجه است، با آمریکا قرارداد خرید گندم امضا کرد. شرکت جنرال موتورز، سرمایه گذاری ۲ میلیارد دلاری خود را در الجزایر آغاز نمود و چند شرکت دیگر آمریکایی نیز تصمیم

از آنها اشاره کردیم، با گسترش روابط الجزایر با کشورهای امپریالیستی، به ویژه فرانسه و آمریکا همراه بوده است. از ۱۹۸۱ بدین سو، میتران و شاذلی بن جدید روسای جمهور فرانسه و الجزایر ۵ بار دیدار کرده اند. ظرف ۵ سال، سهم فرانسه در واردات الجزایر از ۲۰ به ۲۵ درصد رسید. در

پایان داده شد و سرمایه داران خصوصی اجازه یافتند تا بدون واسطه دولت، اقدام به وارد کردن ماشین آلات برای تولید صنعتی نمایند.

به کدام سو؟

در گرونیهای سالهای اخیر در الجزایر که در اینجا تنها به کوشای

نامسلمان اقوام افریدی و شیوار که وابسته به دولت دست نشانده کابل اند خراب گردیده و علیه برادر مسلمان و متدین جنرال ضیاءالحق رئیس جمهور اسلامی پاکستان به یک سلسله تخریبات ضد دولتی و اسلامی دست زده اند تا باشد که دولت اسلامی پاکستان را به شکست مواجه سازند که این عمل آنها باعث بوجود آمدن موانع در جهاد اسلامی ما گردیده است... یک تعداد از برادران مطمئن را مخفیانه در بین مردم اقوام و قبایل نفوذ دهید تا بتوانند به نفع قواء پاکستان نقاط مهم و مخفی شورشیان را افشا سازند. کوشش کنید در این مورد مخفیانه عمل نمایید تا برادران مجاهد ما در مناطق صوبه سرحد افشا نگردند."

نامه صیغت الله مجددی رئیس "جبهه ملی نجات، حرکت انقلاب اسلامی":
"وضع مناطق قبایل از طرف یک تعداد از منافقین سرحدی که مخالف زعامت برادر مؤمن جنرال ضیاءالحق می باشند متشنج گردیده و دست به قیام ما و اسلحه زده اند و اکنون روز بروز وضع مناطق قبایل خراب شده می رود... دولت مسلمان پاکستان به شکست مواجه گردد و جهاد مقدس ما مسلمانان نیز به ناکامی بگراید... هر چه زودتر با قواء پاکستان در مورد سرکوب سران اقوام و قبایل همکاری نموده... یک تعداد از برادران مسلح و جنتی را... به زودترین فرصت ارسال نموده تا با عساکر پاکستانی یکجا در سرکوب شورشیان به نفع برادر متدین ما جنرال ضیاءالحق همکاری نمایند. سعی نمایید که از فعالیت های برادران ما مردم اقوام و قبایل آگاهی حاصل نکنند."

تصحیح و پوزش

متأسفانه در دو شماره گذشته نشریه چند اشتباه در نوشتن و تایپ مقالات وجود داشت که با پوزش از خوانندگان بدین وسیله تصحیح می شود:

در اکثریت شماره ۱۱۲ در صفحه اول در سوتیتر دوم بالای صفحه "۹۶ درصد از کارگاه... غلطو" ۹۶ درصد از کارگاه... درست است. در آخرین خبر صفحه ۹ "زن ۵۰ ساله" غلطو و "زن ۴۰ ساله" درست است. در صفحه ۱۱ خبر مربوط به پرو "یورش" غلطو "شورش" درست است.

در اکثریت ۱۱۲ در صفحه اول، ستون اول سطر ششم کلمه "تیر" زاید است.

رهبری حزب اسلامی افغانستان با مقامات عالی پاکستان و مشاورین کشورهای دوست مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۲ در مورد جلوگیری از فعالیت تخریبکارانه قبایلی های ملحد، هدایت داده می شود که گروپ های عملیات ضربتی در مناطق قبایلی، به خصوص در خیبر ایجنسی گسترش و تقویت گردد و در قسمت از بین بردن سران قبایلی که علیه مجاهدین و دولت برادر پاکستان به فعالیت تخریبی ادامه می دهند، اقدامات عاجل صورت گیرد. از چگونگی

دریافت داشته اند، حال که از اجرای ماموریت شان در افغانستان بازمانده و نتوانسته اند از روند تحکیم و تثبیت قدرت انقلابی در این کشور جلوگیری کنند، برای سرکوب جنبش قبایل آزاد پشتون به کار گرفته می شوند. در این رابطه، روزنامه "حقیقت انقلاب ثور" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شماره ششم خرداد سال جاری خود پنج سند مهم به چاپ رسانده است که نشان می دهد رژیم ضیاءالحق و امپریالیسم آمریکا چگونه

رژیم دست نشانده ضیاءالحق در پاکستان، در اجرای سیاست های ضد مردمی خود و ایفای نقش ژاندارم امپریالیسم در منطقه، که وظیفه عمده آن توطئه چینی و تجاوز علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان است، با دشواریهای جدی مواجه شده است. در پاکستان، جنبش توده های علیه دیکتاتوری نظامی اوج می گیرد. از مهمترین خواستهای این جنبش، پایان دادن به جنگ اعلان نشده آمریکا و پاکستان علیه افغانستان و برچیدن اردوگاههای ضد انقلابیون افغانی است. قبایل آزاد پشتون، که از قرنهای پیش در مناطقی که هم اکنون در امتداد مرزهای افغانستان و پاکستان قرار دارد، زندگی می کنند، دیگر حاضر نیستند اجازه دهند از سرزمین آنها و اجدادیشان بعنوان تخته پرش تجاوز علیه انقلاب افغانستان سوء استفاده شود. آنان علیه رژیم اسلام آباد قیام کرده و در برابر سرکوبگریهای ددمنشانه ضیاءالحق، مسلحانه مقاومت می کنند. در برابر این پیکار قهرمانانه، اشرار افغانی بعنوان مزدوران آمریکا در کنار رژیم پاکستان جای دارند. این اشرار که در طول سالهای اخیر میلیاردها دلار کمک مالی و تسلیحاتی از ارتجاع جهانی

اشرار افغانی، همدستان ضیاءالحق در سرکوب قبایل آزاد

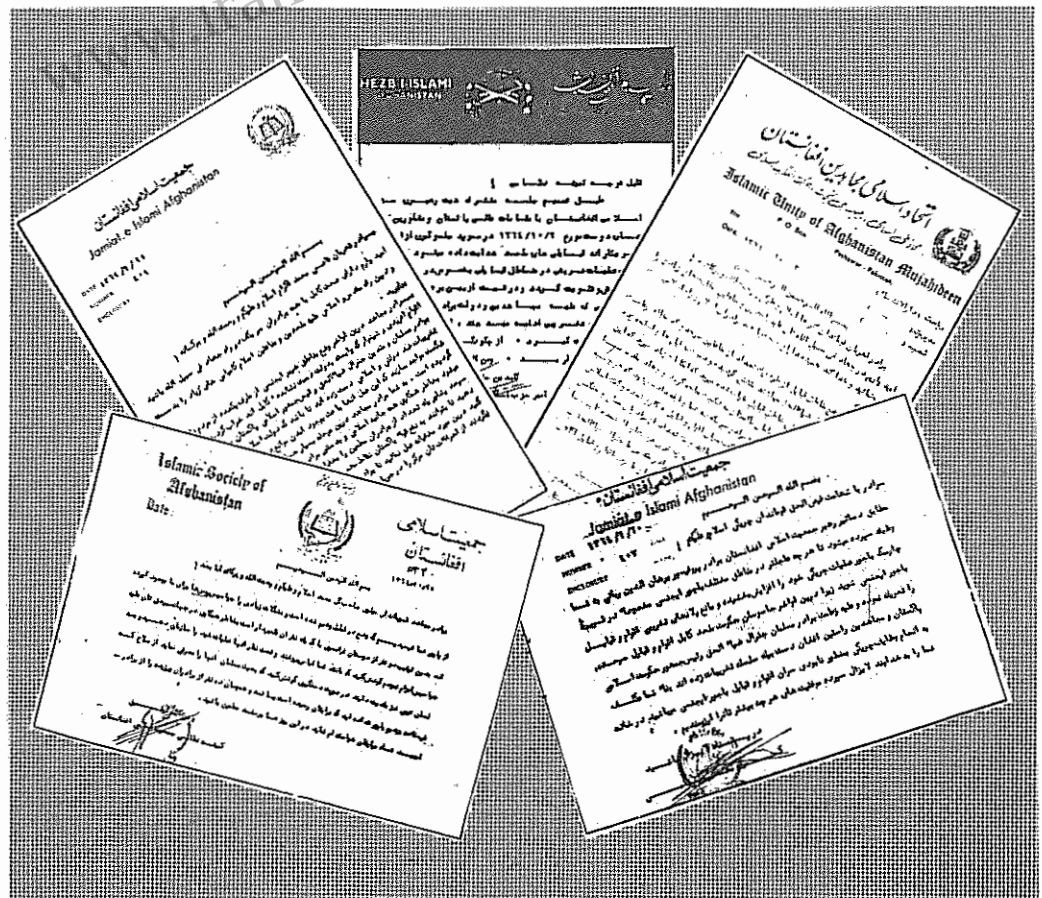
اجرائات گزارش ارائه بدارید. و من الله توفیق.
کلیدین حکمت یار
امیر حزب اسلامی افغانستان

نامه برهان الدین ربانی، سرکرده "جمعیت اسلامی افغانستان"، در این اواخر وضع مناطق خیبر ایجنسی از طرف یکده از مردم

از این اشرار برای ترور سران مبارز قبایل پشتون و خرابکاری در مبارزه آنان بهره می گیرند.

کلیشه و متن این اسناد را در ذیل مشاهده می کنید.

بخشنامه کلیدین حکمتیار، رئیس "حزب اسلامی افغانستان"، "قابل توجه کمیته نظامی" طبق تصمیم جلسه مشترک بیات



کنگره حزب متحد کارگری لهستان به کار خود پایان داد

دهمین کنگره حزب متحد کارگری لهستان، پانزدهمین کنگره پس از ۵ روز به کار خود پایان داد. نمایندگان کنگره، قطعنامه کنگره، برنامه حزب و بیانیه‌ای درباره امنیت و همکاری در اروپا را مورد تصویب قرار دادند. در آغاز جلسه اختتامیه، وویخ یاروزلسکی، که در نخستین نشست کمیته مرکزی پار دیکتر به سمت دبیر اول حزب انتخاب شد، ترکیب ارگانهای رهبری حزب را اعلام کرد. بسیاری از اعضای کمیته مرکزی، از میان کادرهای جوان حزب انتخاب شده‌اند.

یاروزلسکی در سخنان پایانی خود تاکید کرد رهبری حزب وظیفه خود می‌داند ثمره خرد جمعی کنگره را هر چه زودتر در قالب یک برنامه عملی در همه عرصه‌ها تبلور ببخشد. وی افزود وظیفه حزب پابر جا نگه داشتن فضای سیاسی و ایدئولوژیک حاکم بر کنگره است. یاروزلسکی گفت حزب برای آنکه بتواند به پیشاهنگ ترقی تبدیل شود، باید خودسرمشق نوآوری، کارآیی و توانایی ارزیابی عینی از موقعیت خویش باشد.

رهبر حزب متحد کارگری لهستان در آغاز کنگره اعلام کرده بود سالهای اخیر برای حزب حاوی آزمونهای سخت و آموزنده‌ای بود و حزب اینک بها خاسته است تا صدمات وارده بر اثر سالهاکم بهادادن به تئوری را جبران کند.

زیبکینف مسر، عضو دفتر سیاسی حزب و نخست وزیر جمهوری توده‌ای لهستان، در کنگره سخنانی پیرامون سند مورد بحث حزب پیرامون جهات اصلی رشد اجتماعی - اقتصادی از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ و نیز تا سال ۱۹۹۵ ایراد کرد و ضمن آن اعلام نمود روند از هم گسیختگی و بی سازمانی زندگی اجتماعی متوقف شده و اقتصاد روند آشکار صعودی دارد. درآمد ملی افزایش، و شرایط زندگی بهبود یافته‌اند. طی پنج سال آینده، به مسائلی از قبیل مدرنیزه کردن اقتصاد، افزایش بازدهی، ایجاد توازن اقتصادی و ارتقا سطح زندگی مردم پرداخته خواهد شد.

برجسته ترین میهمان خارجی کنگره کمونیستهای لهستان، میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی بود. وی در سخنان خود گفت در رویدادهای سالهای اخیر لهستان، مبارزه بر سر ادامه موجودیت سوسیالیسم در لهستان بود و لهستان سوسیالیستی باقی ماند. گارباجف افزود مهمترین درس رویدادهای لهستان، این است که دستاوردهای سوسیالیستی بازگشت ناپذیرند. وی گفت در لهستان کارگران نه علیه سوسیالیسم، بلکه علیه انحرافات عملی از سوسیالیسم اعتراض کردند. دشمنان داخلی و خارجی لهستان از این امر برای ضربه زدن به سوسیالیسم سوءاستفاده نمودند.

رژیم آپارتاید در تدارک محاکمات فرمایشی

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باشتاب در تدارک انجام محاکمات نمایشی علیه میهن پرستانی است که طبق مقرارت حکومت نظامی بازداشت شده‌اند. قرار است بزودی ۷۸۰ تن از دستگیرشدگان به اتهام "اقدامات تروریستی" محاکمه شوند.

اتحادیه جهانی سندیکایی اعلام کرد از هنگام اعلام حکومت نظامی در آفریقای جنوبی، ۹۲۰ تن از فعالین سندیکایی در این کشور بازداشت شده‌اند. این اتحادیه خواهان آزادی اعضای اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی گردید.

رهبران اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی طی نشستهایی که مخفیانه در داخل کشور برگزار شد، تصمیم گرفتند اقدامات اعتراضی جهت آزادسازی اعضای خود انجام دهند. از هم اکنون کارگران سیاهپوست در نقاط مختلف کشور اعتصابات پراکنده‌ای علیه بازداشت‌های گسترده را آغاز کرده‌اند. در میان بازداشت‌شدگان، نام دبیر کل و رئیس بزرگترین اتحادیه سندیکایی آفریقای جنوبی (کوساتو)، جی نایدو و الیابارای، و نیز دبیر کل اتحادیه کارگران صنایع فلز، موزس مایاکسیو، به چشم می‌خورد.

خبرگزاری شوروی تاس طی تفسیری که در روز یکشنبه ۲۹ ژوئن انتشار یافت، شدیداً از سیاست دولت آلمان فدرال در قبال آفریقای جنوبی انتقاد کرد. در این تفسیر آمده است دولت آلمان فدرال رسالت خود را پشتیبانی از رژیم آپارتاید می‌داند.

اخبار کوتاه

* یک دادگاه نظامی در آنکارا برای دومین بار طی هفته‌های اخیر احکام اعدام علیه اعضای سازمان "دوریم پولی" (راه انقلابی) صادر کرد. چهارتن از اعضای این سازمان به مرگ ۲۱ نفر به زندانهای از ۱۰ ماه تا ۲۰ سال محکوم شدند.

* در مانیل اعلام شد در تاریخ ۱۷ سپتامبر، کورازون آکینو رئیس جمهور فیلیپین در واشنگتن با رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا دیدار و گفتگو خواهد کرد. همزمان با اعلام این خبر، پلیس فیلیپین تظاهراتی را که در مقابل سفارت آمریکا علیه ادامه حضور نظامی ایالات متحده در فیلیپین برپا شده بود، پراکنده ساخت.

* سربازان سوریه بار دیگر در مواضعی در غرب بیروت مستقر شدند. نفرات ارتش سوریه به اتفاق واحد ویژه ۸۰۰ نفره‌ای از ارتش لبنان دست به انجام عملیات گشتی در غرب بیروت زدند. این عملیات در چارچوب طرح امنیتی جدید برای بیروت صورت می‌گیرد که هفته گذشته به میانجی‌گری سوریه مورد توافق سازمان "امل" و مدافعین فلسطینی اردوگاههای بیروت قرار گرفت. این طرح امنیتی به درگیریهای چند هفته‌ای اهل فلسطینی‌ها پایان داد.



مراسم گشایش کنگره حزب متحد کارگری لهستان. در ردیف جلوی هیات رئیسه، از چپ به راست گارباجف، یاروزلسکی و مسر (نخست وزیر لهستان) دیده می‌شوند.

محکومیت آمریکا در دیوان لاهه

بود.

اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره اوضاع آمریکای مرکزی بدون صدور قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. در این اجلاس، نمایندگان ۲۰ کشور خواهان قطع فوری مداخله ایالات متحده در امور آمریکای مرکزی شده و تصمیم دادگاه لاهه را مورد پشتیبانی قرار دادند.

رادیوی نیکاراگوئه گزارش داد طی انفجار یک مین در شمال کشور، ۲۲ تن، از جمله ۱۲ کودک، جان خود را از دست داده‌اند. طبق این گزارش، جنایتکاران حرفه‌ای هنگامی که کامیونی حامل تعدادی افراد غیر نظامی از روی مین عبور می‌کرد، آن را با کنترل از راه دور منفجر کردند.

بدنبال تصویب کمک ۱۰۰ (میلیارد دلاری به ضد انقلابیون نیکاراگوئه در کنگره آمریکا، دیوان بین‌المللی لاهه این تصمیم را نقض منشور سازمان ملل متحد دانست. دادگاه لاهه اعلام کرد آموزش، مسلح کردن و تامین مالی "کونترا" (ضد انقلاب نیکاراگوئه)، مغایر با اصل عدم دخالت در امور کشورهاست. همچنین مین‌گذاری بنادر نیکاراگوئه توسط سازمان سیا از سوی قضاات لاهه محکوم شد و پرواهای اکتشافی آمریکا در حریم هوایی نیکاراگوئه و تحریم بازرگانی این کشور نقض حقوق بین‌الملل قلمداد گردید. لازم به یادآوری است دولت واشنگتن از آغاز طرح دعوی نیکاراگوئه در لاهه، اعلام نمود به رای این دادگاه پایبند نخواهد

از مبارزات پیگیرانه کارگران شرکت صنایع ملی دریایی ایران

تجربه‌ای که در همه جا تکرار می‌شود

شرکت قبلی نداشته باشد و کارگران را مجدداً در آن استخدام کنیم. کارگران که می‌دانستند هدف این حمله حذف سوابق کاری و تسهیل در امر اخراج آنهاست با این تصمیم به مخالفت برخاستند و از همین رو بود که همزمان با مشاهده برگه‌های چاپ شده‌ای تحت عنوان شرکت ملاحظه‌دار و نامه‌های اداری بهمین نام، به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و مدیریت را وادار به انصراف از تغییر نام شرکت نمودند.

در اواخر سال ۶۴ و اوایل سال ۶۵ رژیم با آغاز و ادامه عملیات فائز شددی به تعدادی بل جهت اقدامات جنگی پیدا کرد و دست به دامن کارگران شد. برای انجام این کار بهزاد نبوی با درماندگی از کارگران خواست تا به ساختن پل‌ها بپردازند و بعنوان پادشاه و عده‌دار که مقامات امکانات مسافرت آنها با هواپیما به مشهد و هزینه اقامت در آنجا را تامین می‌کنند. همچنین قرار شد پس از پایان کار به آنها حق اضافه کاری پرداخت شود. ساختن پل‌ها جهت عملیات جنگی با عدم استقبال کارگران مواجه گردید. با اینحال تعدادی از کارگران به بندر امام (شاهپور سابق) اعزام شدند تا به ساختن پل‌ها بپردازند. پس از اتمام ساختمان ده پل، نبوی با فریبکاری و تاکید مجدد بقیه در صفحه ۱۱

شرکت صنایع ملی دریایی ایران در پوشه واقع است. این شرکت در زمان رژیم گذشته با سرمایه آمریکایی - ایرانی تاسیس گردید و فعالیت خود را تحت نام صنایع دریایی ایران - آمریکا شروع کرد. در شرکت نامبرده ۱۲۰۰ نفر کار می‌کنند. عمده ترین فعالیت‌های شرکت بر روی سرویس و تعمیر انواع کشتی‌ها و ساختن و مونتاژ آنها متمرکز است.

با فرار آمریکایی‌ها در روزهای پس از انقلاب، کارگران زمام امور شرکت را بدست گرفتند و با تلاش و پیگیری از انحلال آن جلوگیری نمودند. رژیم جمهوری اسلامی که از عملکرد کارگران به هراس افتاده بود، پس از چندی شخصی بنام "جلیل خیره" را که تحصیل کرده فرانسه بود به ریاست مدیریت شرکت گماشت. خیره در ابتدا وعده‌های فراوانی مبنی بر بهبود وضع کارگران داد ولی دیری نپایید که ماهیت کارگرسنیز وی در ایجاد اختلاف بین کارگران و زیر پانهادن وعده‌های آشکار شد.

سال گذشته، مدیریت به پیروی از دستورات مقامات حکومتی درصدد تغییر نام شرکت و در پی آن اخراج کارگران برآمد. مدیریت چنین توجیه می‌کرد که شرکت فعلی با مشارکت سرمایه آمریکایی تاسیس شده و ما می‌خواهیم شرکت جدیدی با نام "ملاحظه‌دار" تاسیس کنیم که ربطی به

الجزایر: ۲۴ سال پس از استقلال

پنجم ژوئیه (۱۴ تیر) مصادف با بیست و چهارمین سالگرد استقلال الجزایر بدنبال هشت سال پیکار قهرمانانه مردم این کشور علیه استعمارگران فرانسوی است. حماسه‌ای که خلق الجزایر با پایداری سرکش در برابر سفاکی‌های امپریالیسم فرانسه آفرید، الهام بخش مبارزات بسیاری از خلق‌های آفریقا و آسیا گشت. الجزایر بدنبال کسب استقلال، شامه سه سال کشمکش حاد در درون رهبری "جبهه آزادیبخش ملی" بود که به قدرت گرفتن شورای جدید انقلاب به ریاست حواری بومدین در سال ۱۹۶۵ انجامید. در دوره زمامداری بومدین، یک رشته اقدامات و اصلاحات مترقی

اجتماعی - اقتصادی و سیاسی به اجرا گذاشته شد که مهمترین آنها عبارت بودند از برگزاری نخستین انتخابات ارگانهای محلی قدرت، ملی شدن همه شرکت‌های نفتی فعال در الجزایر و اصلاحات ارضی. بخش عمده این کامپاد در فاصله سالهای ۱۹۶۷-۱۹۷۲ صورت پذیرفت. در عرصه سیاست خارجی، الجزایر مستقل، به ویژه از ۱۹۶۵ بدین سو، مشی ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه‌ای را دنبال کرده است. فعالیت این کشور در صفوف جنبش عدم تعهد و برای دادن محتوای ضد امپریالیستی بدین جنبش، حمایت بقیه در صفحه ۱۲

مهاجرین افغانی به میهن باز می‌گردند

و رفتار غیر انسانی رهبران جمهوری اسلامی با آنان، توضیح می‌دهد که رهبران رژیم ایران چگونه از مهاجرین افغانی جهت تامین منابع ارتجاعی و سلطه‌جویانه خود بهره می‌گیرند و بخاطر همین مقاصد از بازگشت آنان به میهنشان جلوگیری می‌کنند. در مقاله در تشریح این وضع گفته می‌شود، رژیم اسلامی ایران اشخاصی را که کوشش می‌کنند به میهن باز گردند به زندان می‌اندازد، به پاکستان تبعید می‌کند و یا اصلاً به قتل می‌رساند. تاکنون هزاران نفر از افغان‌های مهاجر در سیاهچال‌ها و یا در بیابانهای بی‌آب در مرز ایران و پاکستان به هلاکت رسیده‌اند. "پراودا" در ادامه مقاله خود به ذکر شده‌ای از مبارزات مردم بلوچستان و سیستان ایران - جایی که یکی از محل‌های تمرکز دادن مهاجرین افغانی است - علیه خودسریهای محافل حاکم ایران پرداخته و می‌نویسد که اخیراً "میان دسته‌های قبایل بلوچ و ژاندارمری چند زد و خورد مسلحانه روی داد که در جریان این نبرد - تانک ایرانی منهدم و دهان‌نفر نظامی کشته و زخمی شده‌اند"

هفته گذشته روزنامه "پراودا" ملی مقاله‌ای با عنوان "به میهن باز می‌گردند" به تشریح وضعیت اسفبار مهاجرین افغانی در ایران و مبارزه‌شان علیه رژیم ایران و گسترش روند بازگشت دسته جمعی آنان به میهن خود، پرداخت. "پراودا" نوشت: افغانی‌هایی که فریب تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب "ثور" را نخورده‌اند، با وجود فشار و تضيیقات و تهدیدات از طرف مقامات رسمی ایران موفق می‌شوند به میهن باز گردند. روزنامه "پراودا" با استناد به گزارش خیرگزاری یاختر افغانستان افزود: چند روز پیش، بیش از ۶۰۰ خانواده افغانی توانستند از اردوگاه‌هایی واقع در ایران بگریزند. آنها اسلحه خود را به ارگانهای امنیتی جمهوری دمکراتیک افغانستان تسلیم نمودند و در روستاهای زادبوم خود در ناحیه "کهار" واقع در ولایت هرات سکنی گزیدند.

پراودا ضمن اشاره به شرایط سخت و توان فرسای زندگی مهاجرین افغانی در ایران، و دشمنی و اعمال

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثرت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "کار":	بهای اشتراک نشریه "اکثرت":
۱۱ مارک	۱۳ مارک	☐ شش ماهه	☐ شش ماهه
۲۱	۲۴	☐ یک ساله	☐ یک ساله

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "اکثرت":	بهای اشتراک نشریه "اکثرت":
۲۷ مارک	۳۰ مارک	☐ سه ماهه	☐ سه ماهه
۵۲	۵۸	☐ شش ماهه	☐ شش ماهه
۱۰۲	۱۱۵	☐ یک ساله	☐ یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 114
MONDAY JUL 7, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!